



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 4

ת"ר מצות נר חנוכה כו'

حاکمان تعلیم داده‌اند: فرمان دینی (מצוה,
mitzvah) چراغِ חנוכה (Chanukah) ...
בית שמאי (Beis Shammai) می‌گویند...



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بیتسحاق

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/4

1 ת"ר [תנו רבנן] **מצות נר חנוכה כו'. בש"א** [בית שמאי אומרים] **יום ראשון מדליק ח' מכאן ואילך פוחת והולך** (כמו בפרי החג). **ובה"א** [ובית הלל אומרים] **יום ראשון מדליק א' מכאן ואילך מוסיף והולך** (מעלין בקודש כו').

חכیمان چنین آموخته‌اند: «فرمانِ چراغِ **חנוכה** (Chanukah) و جز آن.» **בית שמאי** (Beis Shammai) می‌گویند: در روزِ نخست هشت چراغ روشن می‌کند؛ از آن پس پیوسته می‌کاهد (همانند گاوهای قربانی عید). **بית הלל** (Beis Hillel) می‌گویند: در روزِ نخست یک چراغ روشن می‌کند؛ از آن پس پیوسته می‌افزاید («در امور مقدس رو به بالاتر می‌رویم» و جز آن).

להבין מה ענין נר חנוכה לפרי החג נקדים מ"ש נר מצוה ותורה אור שהמצות נק' נר וגם כתיב נר ה' נשמת אדם שהנשמה נק' נר.

برای فهمیدن اینکه چراغِ **חנוכה** چه ارتباطی با گاوهای قربانی عید دارد، نخست آنچه را نوشته شده پیش می‌آوریم: «زیرا فرمان، چراغ است و تورات، نور»؛ فرامین (**מצוות**, mitzvos) «چراغ» نامیده می‌شوند. همچنین نوشته شده است: «چراغِ **ה'**، جان انسان است»؛ روح، «چراغ» نامیده می‌شود.

ובזוהר מבואר שהמצות נק' לבושין אשר הנשמה מתלבשת בהן בג"ע [בגן עדן] **וצריכה הנשמה לקיים תרי"ג מצות בכדי שיהיה המلبוש בשלימות**

و در **זוהר** توضیح داده شده است که فرامین، جامه‌هایی نامیده می‌شوند که روح در **גן עדן** (Gan Eden) در آن‌ها خود را می‌پوشاند؛ و روح باید ۶۱۳ فرمان را به‌جا آورد تا جامه کامل باشد.

ואם חסר א' מהמצות חסר לבושו לכן צריכה לבא עוד לקיים המצוה ההיא שחסרה בכדי להשלים המلبוש.

و اگر یکی از فرامین کم باشد، جامه‌اش ناقص است. ازاین‌رو روح باید بار دیگر [فرود] آید تا آن فرمانی را که از آن بازمانده است به‌جا آورد، تا جامه کامل شود.

2 **ולבאר ענין הלבוש לנשמה בג"ע** [بگن עדן]. **דהנה בג"ע** [بگن עדן] **הנשמות נהנין מזיו השכינה וענין הזיו הוא הארה מאור א"ס**

و برای توضیح موضوعِ پوششِ روح در باغِ عدن (**גן עדן**, Gan Eden): اکنون، در **גן עדן**، ارواح از درخششِ حضورِ الهی (**שכינה**, Shechinah) لذت می‌برند، و این درخششِ پرتویی از نور بی‌پایان (**אור אין סוף**, Or Ein Sof) است.

ומתענגים הנשמות בג"ע [בגן עדן] שמשגיגים איזה הארה מהזיו ובחי' הזיו הוא הארה מא"ס בלי גבול.

ו ארוח در گن עדן از این لذت می‌برند که پرتویی از آن درخشش را ادراک می‌کنند؛ و آن درخشش پرتویی از بی‌نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof)، بدون حد، است.

ולכן אף שבכלל יש רק ב' בחי'. גע"ע [גן עדן עליון] בבריאה. וגע"ת [וגן עדן תחתון] ביצירה. אבל בפרטיות יש השגות בלי גבול צדיקים ילכו מחיל אל חיל אשר נשמתם נתעלו בעילוי אחר עילוי כי אין מספר להשגות אור וזיו אשר היא הארה מאור א"ס ב"ה.

ازاین‌رو، هرچند در کل فقط دو مرتبه وجود دارد: گن עדן علیا در عالم آفرینش (بریا، Beriah) و گن עדן سفلی در عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah)، اما در جزئیات، ادراک‌هایی بی‌حد وجود دارد: پارسایان «از نیرو به نیرو می‌روند»، زیرا ارواحشان از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر تعالی می‌یابد؛ چراکه برای ادراک‌های نور و درخشش، که پرتویی از نور بی‌پایان مبارک باد، است، شماری نیست.

וכל זמן שצריכה הנשמה להתעלות מג"ע [מגן עדן] לחבירו צ"ל מקודם בחינת נהר די نور שיבוטלו כל השגות הקודמות (עיין בד"ה ויהי מקץ)

و هرگاه روح باید از یک گن עדن به دیگری تعالی یابد، نخست باید مرتبه رود آتش (נהر די نور, nehar di nur) باشد، تا همه ادراک‌های پیشینش در برابر آن به‌کلی ناچیز شوند (بنگرید به گفتار تعلیمی «وایهی میکتس»).

כי השגה הקודמת נגד השגה שלמעלה ממנה אין ערוך כלל והיא בטלה לגמרי נגדה אחרי שהשגות הנ"ל הוא להיות משיג הארה מאור א"ס ב"ה א"כ כל השגה יתירה שמשגיג מהאור השגה שלמטה בטלה נגדה.

زیرا ادراک پیشین، در قیاس با ادراک مرتبه بالاتر از آن، اصلاً قابل مقایسه نیست و در برابر آن به‌کلی ناچیز است. از آنجا که این ادراک‌ها عبارت‌اند از ادراک پرتویی از نور بی‌پایان مبارک باد، پس هر ادراک افزون‌تری که انسان از نور به دست می‌آورد، ادراک مرتبه پایین‌تر در برابر آن ناچیز می‌شود.

3 ولבעבור זה כל צדיק נכוה מחופתו של חבירו. היינו מבחינת השגה החופף על חבירו מאחר שאין השגתן א' ויש לכל א' השגה אחרת אשר נהנה מזיו השכינה המאיר עליו.

ازاین‌رو، «هر پارسا (צדיک, tzaddik) از سایبان همتای خود می‌سوزد»؛ یعنی از مرتبه ادراکی که بر همتای او سایه می‌افکند (خوفف, chofef: از همان ریشه)، زیرا ادراک‌های آنان یکی نیست و هر یک ادراک متفاوتی دارد که در آن از پرتو حضور الهی (שכינה, Shechinah) که بر او می‌تابد بهره می‌برد.

וזהו וקדושים בכל יום יהללוך סלה קדושים היינו נשמות בג"ע [בגן עדן] נקראו קדושים יהללוך סלה כל מקום שנאמר סלה הוא בחי' בלי גבול אשר תמיד מתחדשים השגתם מאור א"ס אשר היא בלי גבול.

و این است [معناي] «و مقدّسان هر روز تو را می‌ستایند، سیلا (סלה, selah)». «مقدّسان» همان نفوس در باغِ عدن (גן עדן, Gan Eden) هستند که مقدّس نامیده می‌شوند؛ «تو را می‌ستایند، سیلا»: هر جا «סלה» آمده باشد، به مرتبۀ بی‌کرانگی اشاره دارد، زیرا ادراک آنان پیوسته از نورِ بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) تجدید می‌شود؛ نوری که بی‌کران است.

4 ולכן ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] **מוטב דלידיינא' וליתי לעלמא דאתי כי אין כדאי כל הדינים נגד תענוג השגתו הנ"ל. אף שבג"ע** [שבגן עדן] **התחתון אין ערוך כלל וכו'.**

ازاین‌رو حکیمان ما گفتند: «بهتر آن است که او را داوری کنند و به جهان آینده برسند»، زیرا همهٔ داوری‌ها در برابر لذتِ درکِ یادشده در بالا هیچ به شمار نمی‌آیند. حتی در باغِ عدنِ فرودین (גן עדן תחתון, Gan Eden) نیز هیچ قیاسی ممکن نیست و الی آخر.

וכן ג"ע [גן עדן] **תחתון נגד ג"ע** [גן עדן] **עליון עד رום המעלות כי התענוגי' [התענוגים] שנמשכו מאוא"ס** [מאור אין סוף] **מקור כל התענוגים הם בלי גבול.**

و همچنین باغِ عدنِ فرودین در برابر باغِ عدنِ برین (גן עדן עליון)، و همین‌طور تا بلندترین مراتب؛ زیرا لذت‌هایی که از نورِ بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، سرچشمۀ همهٔ لذت‌ها، جاری می‌شوند، حدّی ندارند.

5 וכמו שרואים בחוש שאף מה שנפל בשבה"כ [בשבירת הכלים] **תענוגים גשמיים הוא ג"כ אין שיעור כי יש כמה מיני תענוגים כידוע לאין מספר. אם כן עאכו"כ** [על אחת כמה וכמה] **השרש ומקור לזה תענוג רוחני אף מגעה"ת** [מגן עדן התחתון] **הוא בלי גבול מא"ס.**

چنان‌که به‌حسّ خود می‌بینیم، حتی آنچه در شکستنِ ظرف‌ها فرو افتاد، یعنی لذت‌های جسمانی، نیز بی‌اندازه است؛ زیرا گونه‌های بسیاری از لذت وجود دارد، چنان‌که معلوم است، و شمارشان بی‌پایان است. پس به‌طریق‌اولی ریشه و سرچشمۀ آن‌ها، یعنی لذتِ روحانی، حتی لذتِ گانِ عدنِ تحتانی (גן עדן התחתון, Gan Eden HaTachton)، بی‌حدّ است و از بی‌نهایتِ مطلق (אין סוף, Ein Sof) سرچشمه می‌گیرد.

6 ולבעבור זה הנשמה שהיא בחינת בע"ג [בעלי גבול / בעל גבול] **א"א לה להשיג גילוי הזיו שהוא מהות אלקות כ"א ע"י לבוש שהוא בחי' מסך**

ازاین‌رو، روح که موجودی محدود است، نمی‌تواند تجلّیِ پرتو را – که خود حقیقتِ **אלקות** است – دریابد، مگر از راهِ پوششی که مرتبۀ حائل (מסך, masach) است؛

וע"י אותו לבוש ומסך יכולה לקבל האור והזיו וכמו שמבוא' בע"ח [בעץ חיים] שיש בחי' מסך ופרגוד.

ו بهواسطه همان پوشش و حائل، می‌تواند نور و پرتو را دریافت کند؛ چنان‌که در עץ חיים (עץ חיים) توضیح داده شده است که مرتبه حائل و پرده (פרגוד, pargod) وجود دارد.

7 וכמו ד"מ [דרך משל] אור גדול שאין יכולים להביט בו מחמת רוב בהירותו וכשיש מסך מבדיל אז יכולים

לקבל את האור אחר שנתעלם ההארה קצת ע"י מסך

برای نمونه، نوری عظیم که به سبب شدت درخشندگی‌اش نمی‌توان به آن نگریست؛ اما هنگامی که پرده‌ای حائل باشد، می‌توان نور را دریافت، پس از آنکه تابش به‌واسطه پرده تا اندازه‌ای پوشیده شده باشد.

و כמו דבר حکמה ושכל גדול אין יכולים להסביר לפני קטן בחכמה כ"א ע"י לבוש ומשל אז מבין הדבר

כמו"כ [כמו כן] נקראים מצות לבושין שהם ג"כ בחי' משל.

به همین ترتیب، موضوعی حکیمانه و اندیشه‌ای ژرف را نمی‌توان برای کسی که در حکمت هنوز مبتدی است شرح داد، مگر از راه جامه و تمثیل؛ آنگاه او موضوع را می‌فهمد. به همین صورت، **מצות** را جامه‌ها می‌نامند، زیرا آن‌ها نیز به‌منزله تمثیل‌اند.

8 וכמו"ש משל הקדמוני היינו שיהי' [שיהיה] התגלות עצם רצון אור א"ס זה א"א שיכול לבוא לידי גילוי

לשום נברא רק ע"י התלבשות רצונו ית' בעשיי' [בעשייה] גשמי' [גשמיים / גשמיות / גשמית] מעשה המצוה.

چنان‌که نوشته شده است: «מַלְלֵי אֵלֶּיךָ אֲנִי»؛ یعنی باید حقیقت خود اراده نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) آشکار شود؛ اما این امر نمی‌تواند برای هیچ آفریده‌ای آشکار گردد، مگر از راه پوشیده‌شدن اراده مبارک او در کنشی جسمانی، یعنی انجام یک فرمان (מצוה, mitzvah).

ולכן נק' המצות לבושין ושרש המצות גבוה מאד ששרשם מבחי' כתר עליון تر"ך עמודי אור.

ازاین‌رو، فرمان‌ها (מצות, mitzvos) جامه نامیده می‌شوند. ریشه فرمان‌ها بسیار والاست، زیرا ریشه آن‌ها از مرتبه تاج اعلی (כתר, Keser)، یعنی ۶۲۰ ستون نور، است.

9 ונשתלשלו ע"י שערות וכו' עד שנשתלשלו למטה בעשייה גשמי' [גשמיים / גשמיות / גשמית] ציצית וסוכה ובהם דוקא נתגלה רצונו ית' סוף מעשה במחשבה תחלה נעוץ תחב"ס [תחלתן בסופן] דפעם א' נאמר בראשי' [בראשית] ברא כו' השמים ואת הארץ שמים תחלה.

و به واسطه «موها» (שערות, se'aros) به صورت زنجیره وار فرود آمدند، تا آنکه به پایین، به عمل جسمانی، یعنی رشته های آیینی (ציצית, tzitzis) و کلبه آیینی (סוכה, sukkah)، نزول کردند؛ و به ویژه در آن هاست که اراده او، متبارک باد، آشکار می شود. «پایان عمل، نخست در اندیشه است» و «آغازشان در پایانشان نهفته است». زیرا در جایی آمده است: «در آغاز، [ה'] آفرید، و الی آخر، آسمان ها و زمین»؛ آسمان ها نخست.

10 וכתוב ביום עשות ה' אלקים ארץ ושמים. ארץ תחלה. כאן במעשה. וכאן במחשבה.

و نوشته شده است: «در روزی که نام چهارحرفی (ה', Havayah) و نام אלקים (אלקים, Elokim) زمین و آسمان را آفرید»: نخست زمین. یکی [سخن می گوید] از عمل و دیگری از اندیشه.

11 ודרך כלל שמים הוא בחי' רוחניות. וארץ בחי' גשמיות ובמעשה קדמה שמים כי בדרך השתלשלות הרוחניות מחיה ומהוה בחי' גשמיות אבל במחשבה קדמה בחי' גשמיות סוף מעשה במח"ת [במחשבה תחלה] כי התגלות האור מסוכ"ע.

و به طور کلی، آسمان ها مرتبه روحانیت اند و زمین مرتبه مادیت. در عمل، آسمان ها نخست آمدند، زیرا در زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، امر روحانی به امر مادی حیات می بخشد و آن را به وجود می آورد؛ اما در اندیشه، امر مادی نخست آمد: «پایان عمل، نخست در اندیشه است»، زیرا تجلی نور از نوری است که همه عوالم را فرا می گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin).

11 וגילוי הרצון תר"ך עמודי אור הוא ע"י קיום רצונו בדברים גשמיים ממש אשר שרשם מעולם התהו ובהם דוקא מתלבש רצה"ע [רצון העליון].

و آشکارگی اراده (רצון, ratzon)—ششصد و بیست ستون نور—از راه به جا آوردن اراده او در چیزهای به راستی مادی پدید می آید؛ ریشه این چیزها از عالم آشوب آغازین (עולם התהו, Tohu) است، و اراده برین به خصوص در آن ها ملبس می شود.

ولכן המצות הם לבושים אשר על ידם תוכל הנשמה להשיג ולהנות התענוג והזיו בג"ע [בגן עדן].

از این رو، فرمان ها (מצות, mitzvot) پوشش هایی اند که نفس به واسطه آن ها می تواند لذت و فروغ باغ عدن (גן עדן, Gan Eden) را دریابد و از آن بهره مند شود.

12 ולזה המצות הם כמו לבוש שענין הלבוש הוא שאינו בא באדם להיות לו חיות פנימי כמו מזון שנעשה

לאחדים ממש עם האדם ומחיה אותו

ازاین‌رو، فرمان‌ها (המצות، mitzvos) مانند جامه‌اند؛ زیرا ویژگی جامه این است که وارد انسان نمی‌شود تا نیروی حیاتِ درونی او باشد؛ برخلاف خوراک که حقیقتاً با انسان یکی می‌شود و به او حیات می‌بخشد.

ואעפ"כ [ואף על פי כן] צ"ל שיש במלבושין מעלה יתירה ששרשם מבחי' מקיפים.

بااین‌حال، باید گفت که جامه‌ها امتیازی برتر دارند، زیرا ریشه‌شان از مرتبۀ [نورهای] فراگیر (مקיפים، makifim) است.

13 ולבעבור זה הוא מקיף על האדם ומגין עליו ומשמרו כמו"כ [כמו כן] מעשה המצות אשר שרשם הם

מבחי' מקיפים כתר עליון

ازاین‌رو، [پوششی] پیرامونِ شخص را می‌گیرد، از او محافظت می‌کند و نگهداری‌اش می‌کند. همچنین، عملِ فرمان‌های دینی (מצות، mitzvos) چنین است؛ ریشهٔ آن‌ها از مرتبۀ نورهای فراگیر، یعنی تاجِ اعلیٰ (כתר، Keser)، است؛

לכן לא בא התגלותם למטה בבחי' אור פנימי רק בעשייה גשמי' [גשמיים / גשמיות / גשמית] ממש וכידוע

שמה שבשרשו יותר גבוה נופל למטה יותר.

ازاین‌رو، تجلیِ آن‌ها در پایین به صورت نورِ درونی پدیدار نمی‌شود، بلکه تنها در عملِ جسمانی واقعی؛ و چنان‌که معروف است، آنچه ریشه‌اش بالاتر است، پایین‌تر فرومی‌افتد.

אכן ע"י מעשה המצות נעשה בחי' מקיף ומסך שע"י המצות תוכל להתענג בתענוג אא"ס [אור אין סוף]

وזהו תכלית ירידת הנשמה ירידה צורך עלייה

در حقیقت، از راه عملِ **מצות**، [نور]ی فراگیر و پرده‌ای حائل پدید می‌آید، تا [روح] بتواند به واسطۀ **מצות** از لذتِ نورِ بی‌پایان (اور אין סוף، Or Ein Sof) لذت ببرد. و این است غایتِ نزولِ روح: نزولی برای خاطرِ عروج.

ע"י עשיית המצוה תוכל לקבל האור והתענוג ע"י מסך הנ"ל אשר מתלבשת הנשמה בג"ע [בגן עדן]

בלבושי המצות ומחמת כי המצות שרשם מגולגלתא וכ"ע [وکتار עליון].

از راه انجام فرمان (מצוה)، [روح] می‌تواند نور و لذت را به واسطۀ پردۀ یادشده دریافت کند؛ زیرا روح در باغ عدن (גן עדן، Gan Eden) خود را در پوشش‌های **מצות** می‌پوشاند؛ و از آن‌جا که ریشهٔ **מצות** از جمجمه (גולגلتا، Gulgalta) و تاجِ اعلیٰ است،

לכן ע"י קיום המצות רצונו ית' והיום לעשותן ולמחר לקבל שכרם בג"ע [בגן עדן] אשר יתגלה אורן אז כשתתלבש הנשמה בלבוש המצות תתענג הנשמה בתענוג אוא"ס [אור אין סוף] בלתי בע"ג [בעלי גבול / בעל גבול] ע"י מסך ולבוש המצות כנ"ל.

ازاین رو، به واسطه به جا آوردن **מצות** - که اراده او، متبارک باد، هستند - («امروز برای انجام دادنشان و فردا برای دریافت پاداششان» در باغ عدن، جایی که نورشان آنگاه آشکار خواهد شد)، هنگامی که روح خود را در پوشش **מצות** می پوشاند، روح از لذت نور بی پایان، که حد و مرزی ندارد، به واسطه پرده و پوشش **מצות**، چنان که پیش تر توضیح داده شد، لذت خواهد برد.

אשר הם בחי' ממוצעי' ששרשם נעלה מכ"ע [מכתר עליון] ונשתלשלו למטה בדברים גשמיים [גשמיים] (ועמש"ל [ועיין מה שכתוב לעיל] ע"פ ואברהם זקן בא בימים):

زیرا آنها واسطه اند؛ ریشه شان والمرتبه و از تاج اعلی است و در زنجیره نزول به پایین فرود آمده اند و در چیزهای جسمانی جای گرفته اند (و آنچه را که در بالا درباره آیه «و ابراهیم (آברהם) پیر بود و روزها را پیموده بود» آمده است، بنگرید):

14 וזהו ענין מראות הצובאות כי ענין מראה הוא זכוכית שרואין בה.

و این معنای «آینه های زنانی که گرد آمده بودند» است: زیرا آینه (مראה, mar'ah) شیشه ای است که در آن می بینند.

אכן נאמר מראות לשון רבים כי יש ב' מראות. אספקלריא המאירה. היינו זכוכית הבהירה אשר ע"י יכולין לראות מרחוק אור ישר.

بااین حال، واژه «آینه ها» به صورت جمع آمده، زیرا دو [گونه] آینه وجود دارد. [یکی] آینه تابان (اسפקلریا המاירה, aspaklaria hame'irah) است؛ یعنی شیشه ای شفاف که به واسطه آن می توان از دور، با نور مستقیم، دید.

15 וזהו ההפרש בין משרע"ה [משה רבינו עליו השלום] לכל הנביאים שבמשה נאמר ומרא' ולא בחידות ונכתב

ומראה בסגו"ל שהוא לשון ذکر והוא אספקלריא המאירה אשר על ידה אף דבר הרחוק מהאדם רואין אותו דרך אור ישר.

و این است تفاوت میان موسی (مשה)، آموزگارمان، علیه السلام، و همه پیامبران: درباره موسی گفته شده است: «و با رؤیت (ومראה, u-mar'eh)، نه در معماها»؛ و **مראה** با حرکت سِگول (סגול, segol) نوشته می شود که صورتی مذكر است؛ این همان آینه تابان است که از طریق آن، حتی چیزی که از انسان دور است، با نور مستقیم دیده می شود.

כמו כן מעשה המצוה אשר נתלבשה הנשמה בג"ע [בגן עדן] בלבוש המצות ע"י לבוש הנ"ל שע"י מעשה מצות הנ"ל יכולה הנשמה ליהנות מזיו השכינה בג"ע [בגן עדן].

همین طور است عملِ מצוה (mitzvah) که جان در بهشت (גן עדן, Gan Eden) در جامهٔ آن پوشیده می‌شود: از طریق آن جامه، یعنی از طریق عملِ این מצوت، جان می‌تواند از تابشِ حضورِ الهی (שכינה, Shechinah) در بهشت بهره‌مند شود.

16 וליהנות מאורו ית' כמו באספקלריא המאירה אור ישר אשר נמשך ונתגלה אוא"ס [אור אין סוף] ממעלה למטה בג"ע [בגן עדן]. ומשה רבינו ג"כ לא הי' [היה] רואה בלי אספקלריא הנ"ל.

و از نورِ او، که مبارک باد، بهره‌مند شدن؛ گویی از خلالِ آینه‌ای تابان و به واسطهٔ نوری مستقیم، که در آن نورِ بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof) در باغِ عدن (גן עדן, Gan Eden) از بالا به پایین فرود می‌آید و آشکار می‌شود. و موسی (مשה)، استاد ما، نیز بدون این آینه نمی‌دید.

וכמ"ש ומראה ולא בחידות והיינו באספקלרי' [באספקלریا] המאירה אשר בלא אספקלריא לא היה יכול להשיג בחי' אא"ס [اور אין סוף]. **אכן שאר הנביאים ראו במראה בקמ"ץ אספקלריא דלא נהרא וביד הנביאים אדמה.**

چنان‌که نوشته شده است: «و رؤیت (مראה, mar'eh)، نه در معماها»؛ یعنی از طریقِ آینهٔ تابان، زیرا بدون آینه نمی‌توانست مرتبهٔ اور אין سוף را دریابد. اما دیگر پیامبران از طریقِ مראה (mar'ah) با کَمَتس (קמץ, kamatz؛ حرکتِ آ) می‌دیدند؛ آینه‌ای که نمی‌درخشد، [چنان‌که آمده است،] «و به واسطهٔ پیامبران، تشبیه می‌شوم.»

17 וענין אספקלריא שאינה מאירה הוא הנק' שפיג"ל דהיינו שיש מסך וכסוי על הזכוכית אבל המסך אינו דבר עב שהוא מסתיר לגמרי ומכסה האור רק דבר דק וקלוש היינו צפוי כסף הידוע.

و آینه‌ای که نمی‌درخشد، همان چیزی است که **سפיگ"ل** (spiegel) [آینه] نامیده می‌شود؛ یعنی بر شیشه پرده و پوششی هست؛ اما این پرده چیزی ضخیم نیست که نور را به‌کلی پنهان و بپوشاند، بلکه چیزی نازک و ظریف است؛ یعنی همان لایهٔ نقره‌ای شناخته شده.

18 ואז כשרואין בו באספקלריא הנ"ל נמשך ממנו או"ת [اور חזר] אבל אין יכולים לראות דרך הזכוכי' באו"י [באור ישר]

و آنگاه که آدمی به این آینهٔ یادشده می‌نگرد، نورِ بازتابیده از آن بازمی‌گردد؛ اما نمی‌توان از پشتِ شیشه با نور مستقیم دید.

ולכן אין רואין מהות הדבר הנראה ועצמותו כמו ע"י אספקלריא המאירה כי אם רק דמות לבד נראה ע"י אספקלריא שאינה מאירה.

ازاین رو، انسان ماهیت و حقیقت وجودی چیزی را که دیده می شود، آن گونه که از خلال آینه نورانی دیده می شود، نمی بیند؛ بلکه از خلال آینه ای که نورانی نیست، تنها صورتی از آن دیده می شود.

אמנם יש באספקלריא שאינה מאירה מעלה א' גבוה במדרגה שיכולין לראות עצמו וגם לראות מאחוריו כידוע מה שאין יכולין לראות באספקלריא המאירה וזהו ארץ קדמה ודו"ק [ידוק].

بااین حال، آینه ای که نورانی نیست، یک امتیاز دارد که از حیث مرتبه برتر است: می توان خود را دید و نیز آنچه را پشت سر آدمی است، چنان که معروف است؛ چیزی که از خلال آینه نورانی نمی توان دید. و این [مقصود] «زمین پیشتر آمد» است؛ در این نکته نیک بیندیش.

ועד"ז תירצו בגמ' [בגמרא] ביבמות (ספ"ד [סוף פרק ד']) דישעיה שאמר ואראה את ה' היינו באספקלריא שאינה מאירה שבה יוכל לראות את ה'. משא"כ באספקלריא המאירה כתיב כי לא יראני כו'.

و به همین شیوه در گمارا (גמרא, Gemara)، در یواموت (יבמות)، پایان فصل ۴، پاسخ دادند که اشعیا (ישعיהو)، که گفت «و ה' را دیدم»، [او را] از طریق آینه ای دید که نورانی نیست و در آن می توانست ه' را ببیند؛ اما درباره آینه نورانی نوشته شده است: «زیرا هیچ انسانی مرا نخواهد دید...»

וענין אספקלריא דלא נהרא הוא בחי' בכל מאדך היינו ענין ירידת הנשמה בגוף ירידה צורך עלי' [עליה] להפך נה"ב [נפש הבהמית]

و آینه ای که نورانی نیست، مرتبه (בחינה, bechinah) «با تمام توان» است؛ یعنی فرودآمدن روح به بدن، فرودی برای صعود، تا نفس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) را دگرگون سازد؛

וע"י בחי' אתכפיא ואתהפכא בכל מאדך בלי גבול למעלה מן הכלי אז נמשך מלמעלה ג"כ שלא כסדר ודרך השתלשלות מאיר اور עליון.

و از طریق به انقیاد درآوردن و دگرگون کردن [آن]، «با تمام توان»، بی حدومرز و فراتر از ظرف، از بالا نیز نوری برتر، نه به ترتیب و نه از راه زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، فرود می آید و می تابد.

19 וזהו אספקלריא דלא נהרא דהיינו ע"י דבר מסך ומבדיל שאין מאיר האור דרך ישר היינו שנה"ב [שנפש הבהמית] הוא מכסה ומסתיר האור.

و این همان آینه‌ای است که نور نمی‌دهد؛ یعنی از طریق چیزی که حجاب می‌شود و جدایی می‌افکند، به گونه‌ای که نور مستقیم نمی‌تابد؛ یعنی نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) نور را می‌پوشاند و پنهان می‌کند.

אכן אין הדבר המבדיל מסך עב שהוא מסתיר לגמרי רק יכול לאתכפייא ולא תהפכא אז נעשה מזה בחי' או"ח [אור חוזר]

با این حال، آنچه جدایی می‌افکند حجابی ضخیم نیست که کاملاً بپوشاند؛ بلکه می‌توان آن را مهار کرد و دگرگون ساخت، و آن‌گاه نور بازتابیده از آن پدید می‌آید،

כמו בזכוכית שע"י המסך המסתיר נוסף עי"ז או"ח [אור חוזר] **חדש שלא היה מקודם שהי'** [שהיה] **המסך הנ"ל** **ויכול לראות אח"ז** [אחר זה] **אור חדש היינו שיכול לראוי'** [لראות] **גם מאחוריו.**

همانند شیشه که به واسطه حجاب پوشانده، نور بازتابیده تازه‌ای افزوده می‌شود که پیش از آن که آن حجاب وجود داشته باشد، وجود نداشت؛ و پس از آن می‌توان نوری تازه دید، یعنی می‌توان آنچه را پشت سر است نیز دید.

כמו"כ [כמו כן] **אחר שנתהפכ'** [שנתהפכה] **נה"ב** [נפש הבהמית] **אז ע"י בחי' בכל מאדך נתוסף אור המאיר ג"כ** **יותר מקודם שהיתה הנשמה בגוף ירידה צורך עליי'** [עלייה]

همین‌طور، پس از آن که نفیس حیوانی دگرگون شد، به واسطه «با تمام توان» نوری افزوده می‌شود که بیش از زمانی که نفس هنوز در بدن فروز نیامده بود می‌تابد: نزولی برای صعود.

שע"י אתכפייא סט"א [סטרא אחרא] **אסתלק יקרא דקוב"ה** [דקודשא בריך הוא] **לעילא לעילא ומאיר שלא ע"פ** **סדר השתלשלות וזה נק' אספקלריא דלא נהרא** **(ועמש"ל** [ועיין מה שכתוב לעיל] **ע"פ אעשה לו עזר כנגדו)**

زیرا هنگامی که سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra؛ جانب مخالف قداست) مهار می‌شود، جلال قدوس متبارک (קב"ה / **קודשא בריך הוא**, Kudsha Brich Hu) پیوسته بالاتر می‌رود و بالاتر می‌رود و نوری می‌تاباند که مطابق ترتیب زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) نیست؛ و این «آینه‌ای که نور نمی‌دهد» نامیده می‌شود (و بنگرید به آنچه در بالا درباره «برای او یاوری در برابرش خواهم ساخت» نوشته شده است).

וענין גילוי זה י"ל [יש לומר] ע"ד שנתבאר במ"א פי' קדושתו למעלה מקדושתכם דמאי קמ"ל [קא משמע לן] פשיטא. אלא דר"ל [דרוצה לומר] כי המצות הם מבחי' כתר כמש"ל [כמה שכתוב לעיל]. וזהו קדושתו [קדושתכם] אשר קדשנו וכו'. ונודע שהכתר כלול מב' פרצופים. היינו בחי' עתיק זהו בחי' תחתונה שבמאציל ובחי' א"א זהו שרש הנאצלים.

و این آشکارشدن را می‌توان بر پایه آنچه در جای دیگری درباره معنای «قداسِ من فراتر از قداسِ شماست» توضیح داده شده است فهمید: این عبارت چه چیزی به ما می‌آموزد؟ بدیهی است! بلکه مقصود این است که فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) از مرتبه تاج (כתר, Keser) هستند، چنان‌که در بالا توضیح داده شد؛ و این همان «قداسِ شما»ست: «که ما را با فرمان‌هایش مقدس ساخت، و غیره.» و معلوم است که تاج از دو پیکره (פרצופים, partzufim) تشکیل شده است: مرتبه عתיק (עתיק, Atik)، که پایین‌ترین مرتبه در درون مبدأ فیضان است، و مرتبه آریخ انپین (אריך אנפין, Arich Anpin)، که ریشه صادرشدگان است.

20 ועז"א [ועל זה אמר] יכול כמוני. היינו בחי' תחתונה שבמאציל שהוא עתיק. ת"ל [תלמוד לומר] כי קדוש אני

קדושתו למעלה מקדושתכם שהמצות ממשיכים מבחי' א"א

و درباره این است که گفته می‌شود: «آیا می‌تواند چون من باشد؟» یعنی پایین‌ترین مرتبه در مبدأ فیض، که مرتبه کهن، یعنی عתיق (עתיק, Atik) است. آیه می‌آموزد: «زیرا من مقدّسم»: قداسِ من فراتر از قداسِ شماست، زیرا فرمان‌ها (המצוות, mitzvos) از مرتبه «چهره دراز» (אריך אנפין, Arich Anpin) به پایین می‌کشانند،

משא"כ עתיק נקי' עתיק יומין שנעתק ונבדל מבחי' היומין שהם הלבושים הנעשים מהמצות

حال آنکه عתיق یومین، یعنی «کهن روزها» (עתיק יומין, Atik Yomin)، چنین نامیده می‌شود، زیرا از مرتبه «روزها» جدا و گسسته است؛ روزهایی که جامه‌های ساخته شده از המצות هستند،

שעז"נ [שעל זה נאמר] מי האיש כו' אוהב ימים לראות טוב סמוע"ט [סור מרע ועשה טוב] והיינו בבחי' א"א

משא"כ בחי' עתיק יומין הוא בחי' קדושתו למעלה כו'

که درباره‌شان گفته شده است: «چه کسی است آن مرد ... که روزها را دوست دارد تا نیکی ببیند؟» و سپس: «از بدی دوری کن و نیکی کن.» این در مرتبه אריך אנפין است؛ حال آنکه مرتبه עתיק יומין همان مرتبه «قداسِ من فراتر است، و غیره» است.

אך ע"י בירור נה"ב [נפש הבהמית] בכל מאדך נמשך גילוי מבחי' זו כו' כי זהו ענין במקום שבעלי תשובה עומדים כו' בחילא יתיר בחי' בכל מאדך כו':

اما از راه پالایش نفیس حیوانی (נפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) با «تمام توانت»، از این مرتبه آشکاری به پایین کشانده می‌شود، و غیره. زیرا معنای این سخن همین است: «در جایی که اهل بازگشت (בעלי תשובה, baalei teshuvah) می‌ایستند، و غیره»، با نیرویی افزون‌تر؛ مرتبه «با تمام توانت»، و غیره.

21 **ולתוספת ביאור בענין הלבושים לנשמה בג"ע [בגן עדן] יובן ע"פ מה שפי' בזוה"ק [בזוהר הקדוש] ס"פ תולדות שהמלאכים בירידתם לעוה"ז מתלבשים בلبוש כי להיותם רוחניים לכן כדי שיومשכו בעולם השפל הוא ע"י לבוש כו'.**

برای توضیحی بیشتر دربارهٔ جامه‌های روح در باغ عدن (גן עדן, Gan Eden)، می‌توان از آنچه در پایان پاراشای تولדות (פרשת תולדות, Parshas Toldos) در زوهار مقدس (זהר, the Zohar) شرح داده شده است، فهمید: فرشتگان هنگامی که به این جهان فرود می‌آیند، جامه‌ای می‌پوشند؛ زیرا چون روحانی‌اند، برای آنکه به جهان فرودست کشانده شوند، این امر باید از طریق جامه صورت گیرد، و مانند آن.

و כך יובן בהפוך שכדי שהנשמה תשיג ותהנה מזיו השכינה צ"ל ג"כ ע"י לבוש רוחני כנ"ל.

و از اینجا می‌توان حالت وارونه را فهمید: برای آنکه روح پرتو حضور الهی (שכינה, Shechinah) را دریابد و از آن لذت ببرد، او نیز باید جامه‌ای روحانی داشته باشد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

אך לכאורה אין המשל דומה שהרי הנשמה היא עצם רוחני וא"כ למה צריכה ללבוש בשביל להשיג הזיו כו'.

اما در نگاه نخست، این تمثیل گویا با موضوع سازگار نیست؛ زیرا روح موجودی روحانی است. پس چرا برای دریافتن پرتو به جامه نیاز دارد، و مانند آن؟

אך הענין הוא כי רוחניות וגשמיות שניהם נבראים ומחודשים מאין ליש משא"כ זיו השכינה שהוא גילוי אלקות ממש כמ"ש בפ' חיי שרה ע"פ ואברהם זקן.

اما توضیح این است که روحانیت و جسمانیت هر دو آفریده شده‌اند و از نیستی به هستی پدید آمده‌اند؛ حال آنکه پرتو حضور الهی، تجلی خود الوهیت است، چنان‌که [در پاراشای חיי ساره (פרשת חיי שרה, Parshas Chayei Sarah)، دربارهٔ آیه] «و ابراهیم (אברהם, Avraham) سالخورده بود» توضیح داده شده است.

והרי האלקות הוא למעלה מרוחניות כמו שהוא למעלה [למעלה / למעלה] מגשמיות שהרי אין ערוך הנבראים לגבי הבורא:

ו הוהית همان قدر فراتر از روحانیت است که از جسمانیت؛ زیرا آفریدگان در برابر آفریدگار هیچ سنخیتی ندارند.

22 וזהו המגביהי כו' המשפילי כו'. לכן כדי שתשיג גילוי זה ממש א"א להיות כ"א ע"י לבוש ממעשה

המצות כו'

و این [معناي] «آن که بر فرازها بر تخت نشسته است، و آن که به فرودها می نگرد، و جز این» است. بنابراین، برای آن که [روح] این خود تجلی را دریابد، این کار تنها از راه پوششی ممکن است که از عمل به فرمانها (מצות, mitzvos) فراهم می آید، و جز این نیست.

והנה ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] צדיקי' [צדיקים] יושבים ועטרותיה' בראשיהם ונהנים מזיו פי' נהנין מזיו הוא גילוי מהות הזיו ממש וזהו כענין הראיה באספקלריא המאירה שהוא השגת המהות ממש ע"י הלבושים מהמצות.

اکنون، حکیمان ما گفته اند: «عادلان می نشینند، درحالی که تاج هایشان بر سرهایشان است، و از فروغ بهره می برند.» «از فروغ بهره مند می شوند» یعنی حقیقت خود فروغ بر آنان آشکار می شود؛ و این مانند دیدن از طریق آینه نورانی است، که دریافت حقیقت خود امر از راه پوشش های מצوت است.

אך עטרותיהם הוא בחי' מקיף והוא בחי' שלמעלה מזיו וההארה המושגת להם

اما «تاج هایشان» مرتبه فراگیر [نور] است؛ و مرتبه ای است برتر از فروغ و پرتویی که آنان دریافت می کنند.

לפיכך אין נמשכת בבחי' גילוי כ"א ע"ד הראי' [הראיה] ע"י אספקלריא שאינה מאירה שאין מושג המהות של הנראה רק ע"ד וביד הנביאים אדמה כו'.

ازاین رو، این مرتبه به صورت آشکار نازل نمی شود، بلکه تنها به گونه دیدن از طریق آینه ای که روشنایی ندارد؛ در این آینه، ذات آنچه دیده می شود دریافت نمی گردد، بلکه تنها به صورت «و از طریق پیامبران به صورت مثالی درمی آیم، و جز این» است.

ולכן נק' עטרה. (ועמ"ש לקמן בפסוק צאינה וראינה וגו' בעטרה וגו'. וזה נמשך ע"י בכל מאדך כנ"ל):

و ازاین رو «تاج» نامیده می شود. (و آنچه را در ادامه درباره آیه «بیرون آیید و بنگرید، و جز این، با تاج، و جز این» نوشته شده است، بنگرید. و این، چنان که پیش تر گفته شد، از طریق «با تمام توان» نازل می شود.)

23 וזהו ענין נר מצוה וענין נר אלקים נשמת אדם היינו ב' בחי' נר. א' הוא אספקלריא המאירה. והב' אספקלריא שאינה מאירה.

و این است معنای «فرمان الهی (מצוה, mitzvah) چراغی است» و «چراغ اَلِکِیم (אלקים, Elokim), روح آدمی است»: این‌ها دو گونه چراغ‌اند. یکی آینه نورانی است و دیگری آینه‌ای که نور نمی‌افشاند.

وהענין כי הנה בנר יש שמן ופתילה וב' גווני אור. נהורא אוכמא שעל הפתילה ונהורא חיורא.

و توضیح این است که در چراغ، روغن و فتیله هست و دو رنگ نور: نور تیره بر فتیله و نور سفید.

24 והנה האור שהוא עיקר הנר הוא נאחז בפתילה דוקא. אבל השמן בלתי שיאחז בו האור בעצמו כ"א ע"י הפתילה ומ"מ השמן הוא הנכלה בהאור וע"י פתילה א' נכלה שמן הרבה כו'.

اکنون نور، که جوهر چراغ است، به‌خصوص به فتیله می‌آویزد. اما نور نمی‌تواند مستقیماً به خود روغن بگیرد، مگر به‌واسطه فتیله؛ با این حال، این روغن است که در نور می‌سوزد، و به‌واسطه یک فتیله، روغن فراوانی می‌سوزد، و الی آخر.

25 וכך הנה מעשה המצות בעוה"ז הם בחי' השמן כמ"ש בזוהר בינוקא דבלק. והיינו שמן משחת קדש ששרשו בח"ע [בחכמה עילאה] ורצון העליון

و نیز چنین است که انجام فرمان‌ها (מצות, mitzvot) در این جهان مرتبه روغن است؛ چنان‌که در זוهر (זהר)، در [بخش] کودک حکیم (ינוקא, Yanuka) در پاراشای بالاق (בלק) آمده است: یعنی روغن مسح مقدس، که ریشه‌اش در حکمت برین (חכמה, Chochmah) و اراده برین (רצון, ratzon) است.

אך שנשתלשל וירדו בגשמיות בעוה"ז ע"כ אין דרך שיאחז בהם אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה כ"א ע"י הפתילה שהיא הנפש האלקית המקיים המצות ואז הוא הממשיך בהם גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה

اما چون آنها در زنجیره نزول فروود آمده و به ساحت مادی این جهان رسیده‌اند، نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، راهی ندارد که به آنها چنگ بزند، مگر از طریق فتیله؛ و آن، نفیس الهی (نפש האלקית, Nefesh Elohis) است که מצות را به‌جا می‌آورد؛ و آنگاه [نفس] است که تجلی نور بی‌پایان، متبارک باد، را در آنها فرومی‌کشد.

וכמ"ש אשר יעשה אתם האדם שהאדם הוא העושה אותן למצות שממשיך בהן אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה. משא"כ חסד לאומים.

چنان‌که نوشته شده است: «که انسان آنها را انجام دهد»؛ زیرا انسان است که آنها را به صورتِ **מצות** درمی‌آورد و نور بی‌پایان، متبارک باد، را در آنها فرومی‌کشد؛ اما در مورد «مهر ملت‌ها» چنین نیست.

26 וזהו ותורה שם בישראל. והיינו ע"י שיש בנפש בחי' מס"נ [מסירות נפש] באחד בק"ש [בקריאת שמע] שהוא

בחי' בטול לאוא"ס [לאור אין סוף] ב"ה.

و این است [معناي] «و توراتی در اسرائیل نهاد»: یعنی، از آن رو که در نفس، کیفیت فداکاری تا پای جان (مסירות נפש, mesirus nefesh) در [گفتن] «یکی» در قرائت شماع (שמע, Shema) وجود دارد؛ و این همان مرتبة خودنفي گری (ביטול, bittul) در برابر نور بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof), متبارک باد، است.

וזהו כמשל הפתילה שבה נאחז האור. והיינו ע"י בטול זה כו' משא"כ בשמן כי הנפש היא רוחנית ויש

בה בטול זה משא"כ במעשה המצות עצמן לא שייך לומר כן

و این مانند تمثيل فتيله ای است که نور در آن درمی گیرد؛ یعنی، به واسطه این خودنفي گری و جز این؛ اما در مورد روغن چنین نیست، زیرا نفس روحانی است و این خودنفي گری را دارد، حال آنکه درباره خود عمل فرمان های توراتی (מצות, mitzvos) نمی توان چنین گفت.

ولכן האור נאחז בפתילה דוקא אלא שבה ועל ידה נמשך גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה במעשה המצות

שמדברים גשמיים

از این رو، نور تنها در فتيله می گیرد؛ باین حال، در آن و به واسطه آن، تجلی نور بی پایان، متبارک باد، به عمل מצות، که از امور جسمانی اند، نازل می شود؛

وهוא כמשל השמן הנכלה באור.

و این مانند تمثيل روغنی است که در نور مصرف می شود.

וע"י פתילה א' נכלה שמן הרבה היינו כי נשמה א' מקיים ועושה מצות רבים לאין שיעור בשני חייו.

و به واسطه یک فتيله، روغن بسیاری مصرف می شود؛ یعنی، یک نفس در سال های زندگی اش מצות بی شماری را به جا می آورد و انجام می دهد.

27 והנה מהשמן נמשך הנהורא חירורא שהוא כענין בחי' אספקלריא המאירה היינו בחי' אור ישר. והוא

בחי' תר"ך עמודי אור כנ"ל. והנהורא אוכמא נמשך מהפתילה כי נהורא אוכמא היא בחי' אספקלריא שאינה מאירה.

اکنون از روغن، نور سفید جاری می شود؛ این نور مانند مرتبة آینه تابان است، یعنی مرتبة نور مستقیم؛ و همان مرتبة ۶۲۰ ستون نور است، چنان که پیش تر توضیح داده شد. و نور تیره از فتيله جاری می شود، زیرا نور تیره مرتبة آینه ای است که نمی تابد.

28 והוא ענין אהבת בכל מאדך שנמשך מצד התהפכות נה"ב [נפש הבהמית]. כי הפתילה היא נה"א [נפש האלקית]

המלובשת בנה"ב [בנפש הבהמית].

ו این همان عشق «با تمام نیروی خود» است که از دگرگونی نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) پدید می‌آید؛ زیرا فتیله، نفیس الهی (نפש האלקית, Nefesh Elohis) است که در نפש הבהמیت پوشیده است.

כי זה שהנשמה נק' פתילה הוא דוקא בהתלבשותה בגוף שאז נק' היא פתילה לגבי המצות שהם הנק' שמן לומר שהאור נאחז בפתיל' [בפתילה] דוקא כי אז בירידתן למטה הרי הנפש רוחנית והמצות גשמיות.

زیرا نفس فقط هنگامی فتیله نامیده می‌شود که در بدن پوشیده باشد؛ آن‌گاه نسبت به فرمان‌ها (מצוות, mitzvos)، که «روغن» نامیده می‌شوند، فتیله خوانده می‌شود؛ یعنی نور به‌خصوص به فتیله می‌گیرد؛ زیرا آن‌گاه که به پایین فرود می‌آیند، نفس روحانی است و **מצות** جسمانی‌اند.

משא"כ בעלותן למעלה בג"ע [בגן עדן] הרי אדרבה האוא"ס [האור אין סוף] נתגלה לנפש ע"י אמצעות הלבושים הנעשים ממעשה המצות

اما هنگامی که به بالا، به باغ عدن (גן עדן, Gan Eden) صعود می‌کنند، برعکس، نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof) از طریق واسطه پوشش‌هایی که از عمل **מצות** ساخته می‌شوند، بر نفس آشکار می‌شود.

א"כ אז המצות הם כמו בחי' פתילה והנפש היא השמן הנכלה באוא"ס [באור אין סוף] ב"ה ע"י אמצעות הפתילה הם לבושים מהמצות וכו'. אבל בעוה"ז נהפוך הוא שהנשמה נק' פתילה.

پس در آن صورت، **מצות** مانند فتیله‌اند و نفس روغنی است که در **اور אין סוף**، متبارک باد، به واسطه فتیله - یعنی پوشش‌هایی که از **מצות** پدید آمده‌اند - می‌سوزد، و جز این‌ها. اما در این جهان عکس آن است: نفس فتیله نامیده می‌شود.

29 וכיון שכן שאינו נק' פתילה כ"א בהתלבשותה בנה"ב [בנפש הבהמית] לכן נמשך ממנה נהורא اوکמא היא

בחי' בכל מאדך וכו' בחי' או"ח [اور חזר]

و چون چنین است که [روح] فقط هنگامی فتیله خوانده می‌شود که در نفیس حیوانی (نפש הבהמیت, Nefesh HaBahamis) پوشیده باشد، از این‌رو نور تاریک از آن کشیده می‌شود؛ این همان مرتبه «با تمام توان» و مانند آن، مرتبه نور بازتابیده است.

וממעשה המצות נמשך נהורא חיורא הוא בחי' שמחה של מצוה ושניהם כא' [כאחד] טובים שיש מעלה יתירה בזה כו' ויש וכו' כנ"ל בענין אספקלרי' [אספקלריא] המאירה ושאינה מאירה.

و از عمل فرمان‌های توراتی (מצות, mitzvos)، نور سفید کشیده می‌شود که همان مرتبه شادی یک فرمان توراتی است. و هر دو با هم نیکاند، زیرا در این یکی برتری ویژه‌ای هست و مانند آن، و در آن یکی نیز...، چنان‌که پیش‌تر درباره آینه نورانی و آینه‌ای که نمی‌درخشد توضیح داده شد.

וזהו שהנשמה נק' נר וגם המצות נק' נר.

و از همین روست که روح «چراغ» خوانده می‌شود و فرمان‌های توراتی نیز «چراغ» خوانده می‌شوند.

והיינו כי הנשמה היא בחי' הפתילה (בהתלבשותה בנה"ב [בנפש הבהמית]) והמצות הם בחי' השמן ועי"ז נמשך ב' בחי' אור וכמ"ש ואהבת בגימטריא ב"פ [ב' פעמים] אור. הוא בחי' בכל מאדך ושמחה של מצוה

یعنی روح مرتبه فتيله است (هنگامی که در نفس حیوانی پوشیده باشد) و فرمان‌های توراتی مرتبه روغن‌اند؛ و از این راه دو گونه نور کشیده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و دوست بدار» (واהבת, ve'ahavta) از نظر ارزش عددی برابر با دو برابر «نور» (אור, Or) است: این همان مرتبه «با تمام توان» و شادی انجام یک فرمان توراتی است.

وكمو שבהדלקת הנר מתחלה נמשך ועולה האור שסביב הפתילה שהוא נהורא אוכמא. ואח"כ נמשך ומתגלה הנהורא חיורא.

و همان‌گونه که هنگام افروختن چراغ، نخست نوری که گرداگرد فتيله است، یعنی نور تاریک، کشیده می‌شود و بالا می‌رود، و پس از آن نور سفید کشیده و آشکار می‌شود،

כן מתחלה צ"ל ההעלאה בבחי' בכל מאדך. ואז רוח אייתי רוח ואמשיך רוח גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה על ידי מעשה המצות:

همین‌گونه نیز ابتدا باید در مرتبه «با تمام توان» عروج صورت گیرد، و آنگاه «روح، روحی می‌آورد و روحی را فرومی‌کشد»: آشکارشدن نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، از راه عمل فرمان‌های توراتی.

30 והנה ענין העלאת הנרות שהיו במקדש ז' נרות הוא כנגד שבעה מדרגות שיש בכללות עובדי ה'.

اکنون، افروختن چراغ‌هایی که در حرم بود، یعنی هفت چراغ، با هفت مرتبه‌ای متناظر است که در میان مجموعه خدمتگزاران ه' وجود دارد.

יש שעבודתו בבחי' אהבה. ויש שעיקר עבודתו בבחינת יראה כו'. ונמשכים מבחי' שבעה רועים המפרנסים כללות נש"י [נשמות ישראל]

یکی خدمتش در وجه عشق است و دیگری خدمت اصلی‌اش در وجه هیبت است و جز آن. و اینها از مرتبه هفت شبانی سرچشمه می‌گیرند که کلیت جان‌های اسرائیل را روزی می‌دهند.

(דאע"פ [דאף על פי] שכל אחד מקבל מכל השבעה רועים מ"מ יש מי שבחי' זו גוברת בו יותר כו' כמ"ש בזוהר בנוי דאברהם כו' בנוי דיצחק כו').

(زیرا با آنکه هر کس از هر هفت شبان بهره می‌گیرد، با این حال، در یکی این کیفیت بیشتر غلبه دارد و جز آن؛ چنان‌که در زوهار (זהר) آمده است: «فرزندان ابراهیم (אברהם) و جز آن، فرزندان اسحاق (יצחק) و جز آن»).

וענין שמונה נרות דחנוכה הם כנגד שמונה נסיכי אדם

و هشت چراغِ חنوکا با هشت امیرِ انسان‌ها متناظرند،

וכמ"ש במיכה (סימן ה) אשור כי יבא בארצנו וכו' והקמונו עליו שבעה רועים ושמונה נסיכי אדם

چنان‌که در میخا (מיכה، فصل ۵) نوشته شده است: «چون آشور به سرزمین ما درآید و جز آن، هفت شبان و هشت امیرِ انسان‌ها را در برابرش برپا خواهیم کرد.»

ובגמ' [ובגמרא] דסוכה (דף נב:) פי' שבעה רועים אברהם יעקב משה כו'. ושמונה נסיכי אדם ישי ושاول כו' ומשיח ואליהו.

و در جمارا در مسیحتِ سوکا (סוכה، 52b) توضیح داده شده است که هفت شبان عبارت‌اند از ابراهیم (אברהם)، یعقوب (יעקב)، موسی (משה) و جز آن؛ و هشت امیرِ انسان‌ها عبارت‌اند از یشای (ישי) و شاول (שاول) و جز آن، و משיח (Moshiach) و الباهو (אליהו).

ולהבין זה שהנרות דחנוכה הם כנגד שמונה נסיכי אדם. והענין כי הנה רועה יש בו ב' פירושים. הא' לשון מפרנס לאחרים כמו רוענו זוננו.

و برای فهمیدن این مطلب که چراغ‌های حنوکا با هشت امیرِ انسان‌ها متناظرند، باید دانست که واژه «شبان» (רועה، ro'eh) دو معنا دارد. معنای نخست، پرورش‌دادن دیگران است؛ چنان‌که در عبارت «ما را شبانی کن، روزی‌مان ده» (רוענו زוננו، re'enu, zunenu) آمده است.

31 והב' שהוא רועה את עצמו ר"ל [רועה לומר] שמתפרנס כמו והאתונות רועות על ידיהן וכן בגמ' [בגמרא] רועה בשדות וכיוצא.

و دوم آن است که او خود را می‌پرورد، یعنی روزی‌اش تأمین می‌شود؛ چنان‌که آمده است: «و ماده‌الاعها در کنارشان می‌چریدند»؛ و نیز در گمارا آمده است: «در کشتزارها می‌چرد»، و مانند این.

וכן בענין השבעה רועים יש ב' בחי' אלו כי הן המפרנסים כנ"י [כנסת ישראל]. אברהם באהבה כמ"ש אברהם אוהבי ששרשו מחסד עליון שהוא בחי' אהבה ומשפיע מבחי' זו לכנס"י [לכנסת ישראל] ומרע"ה [ומשה רבינו עליו השלום] משפיע בחי' דעת כו'.

و در مورد هفت چوپان نیز این دو جنبه وجود دارد؛ زیرا آنان روزی‌رسانِ جماعت اسرائیل‌اند: ابراهیم (آברהם) با عشق، چنان‌که نوشته شده است: «ابراهیم، دوستدار من»، که ریشه‌اش از مهر (חסד, Chesed) متعال است؛ و این همان مرتبهٔ عشق است. او از این مرتبه به جماعت اسرائیل می‌بخشد؛ و موسی (مשה)، استاد ما، درود بر او باد، مرتبهٔ شناخت (دעת, Daas) را می‌بخشد، و مانند آن.

32 ونקרא רעיא מהימנא שמפרנס את האמונה על ידי שממשיך דעת ה'. ויעקב משפיע רחמים.

و او «چوپان وفادار» (رעיא מהימנא, ra'aya mehemna) نامیده می‌شود، زیرا با فروفرستادنِ شناخت (دעת, Daas) از ه'، ایمان (آמונה, emunah) را می‌پروراند. و یعقوب (יעקب) مهر و شفقت می‌بخشد.

ואמנם הנה עי"ז שמפרנסים לכנס"י [لכנסת ישראל] הם מתפרנסים ג"כ כי מודעת זאת שא"ס ב"ה מרומם ומתנשא לאין קץ מבחי' חכמה ומדות כמאמר دלאو مכל אינון מדות איהו כלל.

و به‌راستی، از آن‌رو که آنان به جماعتِ اسرائیل روزی می‌رسانند، خودشان نیز روزی می‌یابند. زیرا معلوم است که بی‌نهایتِ مطلق (این سوفا, Ein Sof)، متبارک باد، بی‌کران از مرتبهٔ حکمت (حכמה, Chochmah) و صفاتِ عاطفی (مדות, middos) برتر و فراتر است؛ چنان‌که گفته‌اند: «او مطلقاً هیچ‌یک از این صفات نیست.»

33 וכדי שיומשך גילוי אור א"ס ב"ה במדות עליונות הוא כפום עובדיהון דב"נ [דבני נשא] שע"י אתעדל"ת [אתערותא دלתתא] באהבה

و برای آن‌که تجلّی نور بی‌پایان (اور این سوفا, Or Ein Sof)، متبارک باد او، در صفاتِ عاطفی برتر (مדות, middos) افاضه شود، این امر مطابقِ کردارِ آدمیان است: از طریقِ برانگیختگی از پایین (אתערותא دלתתא, isarusa dilesata) از سرِ عشق،

אזי כמים הפנים נמשך למעלה ג"כ גילוי אור א"ס ב"ה במדת אהבה וחסד להיות אהבתי אתכם כו'

آنگاه، چنان‌که آب، چهره را به چهره [بازمی‌تاباند]، در بالا نیز تجلّی نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، مبارک باد او، در صفتِ عشق و مهر (חסد، Chesed) افزای می‌شود، تا آن‌جا که گفته می‌شود: «من شما را دوست داشته‌ام، و غیره»

ونמצא ע"י שהשבעה רועים משפיעים אהוי"ר [אהבה ויראה] לנש"י [לנשמות ישראל] ע"י האהוי"ר [האהבה

وיראה] שמתעורר בנש"י [בנשמות ישראל] נמשך תוספת אור וגילוי מא"ס ב"ה בהמדות עליונות

پس، از آن‌جا که هفت چوپان عشق و هیبت (אהבה ویرאה، ahavah veyirah) را به نفوس اسرائیل می‌بخشند، از طریق عشق و هیبتی که در نفوس اسرائیل برانگیخته می‌شود، نور و تجلّی افزون‌تری از بی‌نهایتِ مطلق (اين سوف، Ein Sof)، مبارک باد او، به صفاتِ برتر افزای می‌شود.

שהם שרש בחינת הרועים והרי א"כ הם מתפרנסים ע"י כו'. וזהו אכלו רעים שהם הרועים שהם רעים
למקום.

که ریشهٔ مرتبه (bechinah، **בחינה**) چوپانان‌اند؛ و بنابراین، آن‌ها نیز از این طریق روزی می‌یابند، و غیره. و این معنای «بخورید، ای دوستان (רעים، re'im)» است: منظور همان چوپانان (רעים، ro'im) هستند که دوستانِ آن‌که همه‌جا حاضر است، می‌باشند.

34 והנה כמו"כ [כמו כן] יש למעלה ג"כ כמאמר ישראל מפרנסין לאביהם שבשמים כו' שפרנסה זו הוא

שיומשך אור א"ס להיות בבחינת כמראה אדם והיינו ע"י התורה

اکنون، در بالا نیز [چنین روزی‌رسانی] وجود دارد؛ چنان‌که در این گفته آمده است: «اسرائیل پدرشان را در آسمان روزی می‌رسانند، و مانند آن.» این روزی‌رسانی آن است که نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof) فرود آورده شود تا در مرتبهٔ «همچون سیمای انسان» قرار گیرد؛ و این به‌واسطهٔ تورا است.

וכמ"ש לכו לחמו בלחמי שהתורה היא ג"כ בחי' לחמי כביכול דכמו שע"י הלחם יחיה האדם ותתחבר

נשמתו עם גופו כך הוא המשכת אוא"ס [اور אין سوف] ע"י התורה שהיא בחי' ח"ע [חכמה עילאה] שבה שורה

אוא"ס [اور אין سوف] ב"ה

چنان‌که نوشته شده است: «بیاييد، از نانِ من بخوريد»؛ زیرا تورا نیز، به‌اصطلاح، مرتبهٔ «نانِ من» است. همان‌گونه که انسان به‌واسطهٔ نان زنده می‌ماند و جان‌ش با بدن‌ش پیوند می‌خورد، به همین‌سان **اور אין سوف** به‌واسطهٔ تورا فرود می‌آید؛ تورا مرتبهٔ حکمتِ برین (Chochmah، **חכמה**) است که **اور אין سوف** – که مبارک است – در آن جای دارد.

ובה ועל ידה נמשך ומתלבש במדות חסד דרועא ימינא כו' וגם נמשך מזה מזון לנפש כמ"ש ותורתך בתוך מעי.

و در آن و به واسطه آن، [نور] امتداد می‌یابد و در صفات جای می‌گیرد؛ مهر (Chesed, חסד) بازوی راست است، و مانند آن. همچنین از این امر، خوراکی برای نفس امتداد می‌یابد؛ چنان‌که نوشته شده است: «و تورای تو درون من است.»

35 והנה בחי' זו של הרועים היא המשכה בבחי' פנימית שזהו ענין ותורתך בתוך מעי וכמו השגת התורה שיהיה מושג ונתפס בשכלו פסק הלכה

اکنون این مرتبهٔ شبانان، فرودآوردنی به شیوه‌ای درونی است؛ این معنای «و تورات تو در اندرون من است» است؛ چنان‌که در فهم توره، حکمی هلاخایی فهمیده و در ذهن آدمی جای گیرد،

וכן בהתבוננות שיהיה מושג גדולת הבורא ית' כמ"ש וידעת היום כו' דע את אלקי אביך כו' ולפי השכל כך יהיה האהבה כו'.

و نیز در تأمل، تا بزرگی آفریدگار متبارک فهمیده شود، چنان‌که نوشته شده است: «امروز بدان، و الی آخر»، «אלקי (Elokei) پدرت را بشناس، و الی آخر»؛ و عشق، به همان اندازه خواهد بود که فهم هست، و الی آخر.

36 וזהו כמשל הרועה שמאכיל ומשקה את הצאן שזהו השפעת החיות בפנימיות וכן בכל דור הם ראשי אלפי ישראל המלמדים אותם תורה.

و این مانند تمثیل چوپانی است که به گوسفندان خوراک و آب می‌دهد؛ این همان افاضهٔ نیروی حیات به درون است. همچنین در هر نسل، سران هزارگان اسرائیل هستند که به آنان تورات (Torah, תורה) می‌آموزند.

וכמאמר משה שפיר קאמרת שנק' רבא משה ע"ש [על שם] שהיה מלמד תורה כו' וכן מה שהרועים מתפרנסים ע"י"ז הוא ג"כ השגה בפנימיות וכמו ע"ד ומתלמידי יותר מכולם.

و چنان‌که در این گفته آمده است: «موسی (مשה)، نیکو گفتمی»، که در آن راوا (רבא) را «موسی» می‌خوانند، زیرا او تورا می‌آموخت و مانند آن. همچنین آنچه چوپانان از این راه با آن روزی می‌یابند نیز نوعی ادراک درونی است؛ همچون این گفته: «و از شاگردانم بیش از همه».

37 וכן למעלה מעלה הוא גילוי אוא"ס [אור אין סוף] בח"ע [בחכמה עילאה] שזהו ענין אכלו רעים כו'.

و به همین ترتیب، در مرتبه‌ای بس برتر، تجلی نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) در حکمت برین (חכמה, Chochmah) است؛ این است معنای «ای دوستان، بخورید، و غیره».

אך ענין הנסיכי אדם היינו שאינן בחי' רועים ומלמדים לישראל כמשה והאבות רק הם צדיקים תמימים כמו ישי שמת רק בעטיו של נחש.

اما مقصود از شاهزادگان آدمیان این است که آنان در شمارِ شبانان و آموزگارانِ اسرائیل نیستند، مانند موشه (مשה) و پدرانِ قوم؛ بلکه صالحانی کامل‌اند، مانند یسای (یשי)، که تنها به سببِ مشورتِ مار درگذشت.

38 ולא מצינו זה אפילו במשה רבינו. ועכ"ז [ועם כל זה] הרי משה הוא רבינו. וכתוב זכרו תורת משה

و این را حتی دربارهٔ موسی (مשה، Moshe)، شبانِ امین، نمی‌یابیم. باین‌حال، موسی «استادِ ما» است و نوشته شده است: «توراةِ موسی را به یاد آورید.»

משא"כ בישאי שלא היה רועה ע"ד משה כו' ואעפ"כ [ואף על פי כן] נמצא בו מעלה יתירה שהיה תמים עד שמת רק בעטיו של נחש כו'.

اما يشاي (Yishai) چنین نبود؛ او به شیوةٔ موسی شبان نبود و غیره؛ باین‌همه، در او فضیلتی برتر یافت می‌شود: آن‌قدر کامل بود که تنها به سببِ مشورتِ مار مرد و غیره.

ומהם נמשך ג"כ כח לנשי"י [לנשמות ישראל] בעבודה בדרך בחי' מקיף מה שאין כן מהרועים נמשך בבחי' פנימיות ונק' מזון כנ"ל.

از آنان نیز نیرویی برای خدمت [الهی] به جان‌های اسرائیل کشیده می‌شود، آن‌هم به صورتِ [نور] فراگیر؛ اما از شبانان، این نیرو به بُعدِ درونی (پنیمיות، pnimiyus) کشیده می‌شود و، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، «غذا» نامیده می‌شود.

אבל מהנסיכים נמשך רק בבחי' מקיף. וכמו הנסיך שהוא ענין מלוכה שהוא בחי' מקיף ששמו נק' על האנשים שבמדינתו כו'.

اما از شاهزادگان، نیرو تنها به صورتِ [نور] فراگیر کشیده می‌شود. این مانندِ شاهزاده است که با فرمانروایی سروکار دارد؛ فرمانروایی در مرتبةٔ فراگیر است، زیرا نام او بر مردم سرزمینش خوانده می‌شود و غیره،

ואינו השפעה בפנימיות ממש (רק הוא עד"מ כמו אחד מתפעל מתפלת אדם צדיק המתפלל בדו"ר [בדחילו ורחימו] ומס"נ [ומסירות נפש] שע"ז מתפעל גם הוא.

و این افاضه‌ای واقعاً درونی نیست (بلکه، برای مثال، مانندِ آن است که کسی از دعای مردی پارسا متأثر شود؛ مردی که با عشق و هیبت (אהבה وיראה، ahavah veyirah) و فداکاری تا پای جان (مسירות نפש، mesirus nefesh) دعا می‌کند، و از این راه او نیز متأثر می‌شود.

והיא הארה מבחינת המקיף שהרי לא קבל ממנו בפנימית השכלה וחכמה ע"י דבור שהוא השפעה בפנימית כ"א שנתפעל מצדקתו והרי צדקתו ואהוי"ר [ואהבה ויראה] שלו הוא בבחינת ריחוק ממנו בחי' מקיף)

ו این، پرتویی از مرتبه فراگیر است؛ زیرا او از آن مرد، از راه گفتار، فهم و حکمت را به صورت درونی دریافت نکرده است، که افاضه‌ای درونی می‌بود؛ بلکه از پارسایی او متأثر شده است، و پارسایی و عشق و هیبت او برای این شخص دور از دسترس است؛ این همان مرتبه فراگیر است.

אך נודע שהמקיף הוא מבחי' גבוה יותר מהפנימי כי המקיפים שרשן מסוכ"ע והפנימים מבחי' ממכ"ע
[ממלא כל עלמין].

اما دانسته است که مرتبه فراگیر از مرتبه درونی بالاتر است؛ زیرا ریشه نورهای فراگیر در نوری است که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)، و ریشه نورهای درونی در مرتبه نوری است که همه عوالم را پر می‌کند (ממלא כל עלמין, memalei kol almin).

וכעד"ז ארז"ל [אמר רבותינו זכרונם לברכה] גדולה שמושה יותר מלימודה. הגם שהלימוד הוא השפעה פנימית והשימוש הוא חיצונית אעפ"כ [אף על פי כן] מקבל עי"ז יותר יראת שמים כו'.

و به همین شیوه، حکیمان ما گفتند: «خدمت‌گزاری [به عالمانِ تورات] از آموختن آن برتر است.» هرچند آموختن افاضه‌ای درونی است و خدمت‌گزاری بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyyus) است، با این‌همه، از این راه آدمی هیبت آسمان بیشتری دریافت می‌کند و غیره.

והוא כענין המשכה בבחי' מקיף (כי מה שיכול להיות נמשך בשכל התלמיד בבחי' פנימיות אינו רק הארה לבד משכל הרב. ולכן לא קאים אינש אדעתא דרביה כו')

و این از سنخ فرودآوردن به صورت فراگیر [نور] است؛ زیرا آنچه می‌تواند در بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) به عقل شاگرد فرود آورده شود، چیزی جز پرتویی از عقل استاد نیست؛ از این‌روست که «انسان به ذهن استاد خود راه نمی‌یابد، و الی آخر».

ולכן נאמר אשור כי יבא כו' והקמונו עליו שבעה רועים ושמונה נסיכי אדם שע"י שמונה נס"א [נסיכי אדם] ידחו הרע בבחי' א' יותר מע"י הרועים

از این‌رو گفته شده است: «چون آشور بیاید، و الی آخر، هفت شبان و هشت فرمانروای مردمان را بر ضد او برپا خواهیم کرد؛ زیرا به واسطه هشت فرمانروای مردمان، شر از یک جهت بیش از آنچه به واسطه شبانان دفع می‌شود، دفع خواهد شد.

כי הרועים שהם המשכה בבחי' פנימיות הנה ברבוי השתלשלות המדרגות יוכל לימשך מזה יניקה לחיצונים עד"מ מצפורני ידים לא כאברהם שיצא ממנו כו'.

זירה שבאנן, که نمود فرودآوردن در بُعد درونی (پنیمיות) هستند, در اثر تعدد مراتب زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus), ممکن است از آن مایه تغذیه‌ای به نیروهای بیرونی برسد؛ چنان‌که مثلاً از ناخن‌های دست؛ نه مانند ابراهیم (آברהם) که از او ... پدید آمد, و الی آخر.

39 וכן בהשגת התורה ארז"ל [אמר רבותינו זכרונם לברכה] **למשמאילים בה כו'. וכל האומר אין לי אלא תורה כו'. וצ"ל ג"כ המשכה משמונה נס"א** [נסיכי אדם] **בחיי מקיפים שהמקיף מסמא עיני החיצונים כו'. וזהו ענין תורה וגמ"ח** [וגמילות חסדים] **שע"י התורה נמשך בחי' מזון.**

و همین‌طور در فهم تورات, حکیمان ما گفتند: «برای کسانی که به سوی چپ آن می‌روند و الی آخر»؛ و نیز: «هرکس بگوید: من جز تورات ندارم و الی آخر.» همچنین باید فیضی از هشت شاهزاده آدمی نیز فرود آید, در مرتبه نورهای فراگیر؛ زیرا نور فراگیر, چشم نیروهای بیرونی را کور می‌کند و الی آخر. این است معنای تورات و اعمال نیکوکاری: به واسطه تورات, مرتبه خوراک فرود می‌آید.

40 וזהו בחי' הרועים. וע"י גמ"ח [גמילות חסדים] **נמשך בחי' לבוש ומקיף וזהו בחי' ההמשכה שע"י נס"א** [נסיכי אדם] **גדולה שמושה כו'.**

و این همان مرتبه چوپانان است. و به واسطه اعمال احسان, مرتبه جامه و [نور] فراگیرنده فرود می‌آید؛ و این همان مرتبه فرودآوری از طریق امیران مردم است: «خدمت‌گزاری بزرگ‌تر است, و الی آخر.»

وיוכן יותר ענין ההפרש בין הרועים לנס"א [לנסיכי אדם] **ע"ד שמצינו ברי' [ברבי] יוחנן בן זכאי** **و تفاوت میان چوپانان و امیران مردم, با توجه به آنچه درباره רבי יוחנן בן זכאי (רבי יוחנן בן זכאי) می‌یابیم, روشن‌تر خواهد شد:**

שהיה שר התורה המלמד תורה לישראל ועכ"ז [ועם כל זה] אמר לרי' [לרבי] חנינא בן דוסא בקש עלי רחמים שתפלתו גדולה יותר הרבה משלו עד שאלמלי הטיח ריב"ז [רבן יוחנן בן זכאי] כו'

او سرور تورات بود و به اسرائیل تورات می‌آموخت, و با این همه به رבי חנינא بن دوسا (רבי חנינא בן דוסא) گفت: «برایم طلب رحمت کن», زیرا دعای رבי חנינא بن دوسا بسیار برتر از دعای رבי יוחנן בן זכאי بود؛ تا آنجا که: «اگر رבי יוחנן بن زکאי [سرش را میان زانوهایش می‌فشرد], و الی آخر.»

ומר"ח [ומרבי חנינא] **בן דוסא לא נמצא שהיה מלמד תורה ע"ד ריב"ז** [רבן יוחנן בן זכאי] **ולא נמצא משמו דינים במשנה.**

و دربارهٔ ربی حنینا بن دوسا نمی‌یابیم که به شیوهٔ ربی یوحانان بن زکאי تورات آموخته باشد، و هیچ حکمی در میشنا (משנה) به نام او یافت نمی‌شود.

41 **וזהו ע"ד ההפרש שבין הרועים לנס"א** [לנסיכי אדם] **כו' כי ריב"ז** [רבן יוחנן בן זכאי] **היה רועה ומפרנס לישראל כמו מרע"ה** [משה רבינו עליו השלום].

و این مانند تفاوت میان چوپانان و امیران آدمیان و غیره است؛ زیرا ربی یوحانان بن زکאי (رבי یוחנן בן זכאי) چوپان و روزی‌رسان اسرائیل بود، مانند موسی (משה)، آموزگار ما، علیه‌السلام.

ורחב"ד [ורבי חנינא بن دוסא] **לא היה בו בחי' זו אבל היה צדיק תמים בלי שום דופי**

و ربی حنینا بن دوسا (רבי חנינא בן דוסא) این مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) را نداشت، اما به‌تمامی عادل بود و هیچ عیبی نداشت،

עד שארז"ל [שאמרו רבותינו זכرونם לברכה] **שלא נברא העוה"ב** [העולם הבא] **אלא בשבילו והיו מקבלים ממנו נש"י** [נשמות ישראל] **דרכי העבודה והחסידות ע"ד גדולה שימושה כו' ותפלתו היתה נשמעת יותר מריב"ז** [מרבן יוחנן בן זכאי]

تا آنجا که حکیمان ما گفته‌اند جهان آینده تنها به‌خاطر او آفریده شد؛ و نفوس اسرائیل راه‌های بندگی الهی و پارسایی را از او می‌آموختند، به‌شیوهٔ آنچه گفته شده است: «ملازمِ آن بزرگ‌تر است، و غیره»؛ و دعای او بیش از [دعای] ربی یوحانان بن زکאי شنیده می‌شد.

וכן נאמר והקימונו עליו שבעה רועים ושמונה נס"א [نסיכי آدم] **שבחי' נס"א** [نסיכי آدم] **מועיל יותר נגד בחי' אשור כי יבא כו'**

و همچنین گفته شده است: «هفت شبان و هشت امیر آدمیان را بر ضدّ او برخوایم انگيخت»؛ زیرا مرتبهٔ امیران آدمیان (بחינה) در برابر مرتبهٔ «آشور، چون بیاید، و غیره» (بחינה) مؤثرتر است،

לפי שממשיכים מבחי' סוכ"ע וכמו תפלת ר"ח [רבי חנינא] ב"ד [בן דוסא] להפוך הטבע כו' שהוא ע"י המשכה מבחי' סוכ"ע שלמעלה מסדר והדרגת ההשתלשלות כו':

זیرא از مرتبة نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin) فرود می‌آورند؛ مانند دعای רבי חנינא בן دוסא برای دگرگون ساختن طبیعت و غیره، که از راه فرودآوردن از סובב כל עלמין انجام می‌شود؛ نوری که فراتر از نظم و مراتب زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است، و غیره.

42 וזהו ענין נרות דחנוכה. שטמאו כל השמנים שבהיכל מצד תגבורת חכמה דקליפה. לכן רצו להשכיחם תורתך כו'.

و این معنای چراغ‌هایחנוکاست. زیرا آنان [یونانیان] همه روغن‌های حرم را با نیروی حکمت پوسته (קליפה, kelipah) آلوده کردند؛ ازاین‌رو «کوشیدند تورات تو را از یادشان ببرند، و مانند آن.»

וע"כ הוצרך להמשיך מבחי' שלמעלה מהחכמה דקדושה והוא מבחי' מקיפים עליונים. וזהו פך של שמן שהיה חתום בחותמו של כה"ג [כהן גדול] שהוא בחי' ורב חסד כו'

ازاین‌رو لازم بود از مرتبه‌ای بالاتر از حکمت قدوسیت، یعنی از مرتبة نورهای فراگیر برین، نوری فروکشیده شود. و این همان کوزه روغنی است که با مهر کاهن اعظم مهر شده بود؛ و آن مرتبة «و سرشار از مهر است»، و مانند آن.

(ولפי שהוא מבחי' מקיף נמשך ونשפל גם למטה להדליק גם עתה בדורותינו שאין בהמ"ק [בית המקדש] קיים משא"כ בבמה"ק [בבית המקדש] היה ז' נרות מבחי' ז' רועים אלא שהיה הגילוי ממש בבחי' פנימית כמאמר עדות היא לבאי עולם כו'.

(و چون این نور از مرتبة نور فراگیر [نور] است، به پایین نیز فروکشیده و فرود می‌آید تا حتی در روزگار ما، که معبد مقدس برپا نیست، هم روشن شود؛ حال آنکه در معبد مقدس هفت چراغ از مرتبة هفت شبان بود، با این تفاوت که آشکارگی واقعاً به‌نحوی درونی بود، چنان‌که گفته‌اند: «این گواهی‌ای است برای همه کسانی که به جهان می‌آیند، و مانند آن.»

ועמ"ש לקמן ע"פ כי אתה נרי הוי"ה והוי"ה יגיה חשכי. שם הוי"ה הראשון הוא בבחי' השתלשלות וממנו נמשך בחי' אתה נרי. והיינו הנרות דמקדש כו'.

و بنگرید به آنچه در ادامه درباره «زیرا تو چراغ منی، ה'، و ה' تاریکی‌ام را روشن می‌کند» نوشته شده است. نام نخست ه' در مرتبة زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است و از آن، مرتبة «تو چراغ منی» جاری می‌شود؛ یعنی چراغ‌های حرم، و جز این.

ושם הוי"ה השני הוא מבחי' סוכ"ע שלמעלה מהשתלשלות ומזה נמשך בחי' יגיה חשכי והן הן נרות דחנוכה.

و نام دوم ه' از مرتبه نوری است که همه عوالم را فرا می گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin) و بالاتر از زنجیره نزول عوالم (השתלשלות) است؛ و از آن، مرتبه «تاریکی ام را روشن می کند» جاری می شود. اینها همان چراغ های חנוכה هستند.

ועד"ז הוא ענין ההפרש בין בחי' שבעה רועים לבחי' שמונה נס"א [נסיכי אדם] כי על ידי שבעה רועים נמשך המשכת המזון לכנ"י [לכנסת ישראל] בחי' ותורתך בתוך מעי שהוא מה שיכול להיות נמשך בפנימית זהו מבחי' שם הוי"ה הנמשך בעולמות אבי"ע [אצילות בריאה יצירה עשיה].

و به همین ترتیب، تفاوت میان مرتبه هفت شبان و مرتبه هشت فرمانروای آدمیان چنین است: به واسطه هفت شبان، خوراک برای جماعت اسرائیل جاری می شود؛ یعنی مرتبه «و تورات تو در اندرون من است»، که می تواند به نحوی درونی جاری شود. این از مرتبه نام ه' است که به عوالم صدور (אצילות, Atzilus)، آفرینش (בריאה, Beriah)، صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (עשיה, Asiyah) فروکشیده می شود.

אבל ע"י נס"א [נסיכי אדם] נמשכים בחי' מקיפים והוא מבחי' שם הוי"ה שלמעלה מגדר ההתלבשות בהעולמות אלא שמאיר בבחי' מקיף וכענין תפלת רחב"ד [רבי חנינא בן دוסא] להפוך הטבע כו' כנ"ל

اما به واسطه فرمانروایان آدمیان، نورهای فراگیر جاری می شوند؛ اینها از مرتبه نام ه' هستند که بالاتر از آن است که در عوالم پوشیده شود، اما به نحوی فراگیر می تابد؛ مانند دعای ربی حنیנא بن دوسا (רבי חנינא בן דוסא) برای دگرگون کردن طبیعت، و مانند آن، چنان که پیش تر توضیح داده شد.

وهוא הנמשך ע"י מעשה המצות שהן המשכות בחי' מקיפים כי המצות הן נק' מצות המלך. ועיין בד"ה מזמור שיר חנוכת הבית בענין מזון לבוש כו'.

و این همان چیزی است که از راه به جا آوردن فرمانها (מצות, mitzvos) جاری می شود؛ زیرا فرمانها فروکشاند مرتبه نورهای فراگیرند و «فرمان های پادشاه» نامیده می شوند. و بنگرید به ماامار آغازشونده با «مزموری، سرودی برای وقف خانه»، درباره خوراک و پوشاک، و مانند آن.

ולכן בחי' משיח הוא ג"כ מנסי"א [מנסיכו אדם] כי במשיח נאמר והריחו. מורח ודאין. וריח הוא בחי' מקיף ריחא דלבושייכו משא"כ הרועים הוא בחי' מזון כו'. ולקמן יבואר דבמשיח יש ב' הבחי':

و از این رو، مرتبه (בחינה، bechinah) [משיח (Moshiach)] نیز از سروران مردم است؛ زیرا دربارهٔ משיח گفته شده است: «و او بو خواهد کشید» (והריחו، vaharicho)، [یعنی،] «بو می‌کشد و داوری می‌کند»؛ و بو، مرتبه [نور] فراگیر است: «عطر جامه‌هایشان»، حال آنکه شبانان مرتبهٔ خوراک‌اند، و الی آخر. و در ادامه توضیح داده خواهد شد که در משיח هر دو مرتبه وجود دارد.

43 ובזה יובן הגמ' [הגמרא] בש"א [בית שמאי אומרים] יום ראשון מדליק שמונה מכאן ואילך פוחת והולך. וטעמא דב"ש [דבית שמאי] דיליף מפרי החג שיום ראשון מקריב י"ג מכאן ואילך פוחת והולך כו'.

و بدین سان سخن گمارا (גמרא، Gemara) فهمیده می‌شود: בית שמאי (Beis Shammai) می‌گویند: در روز نخست هشت شمع می‌افروزد؛ از آن پس پیوسته شمار را کاهش می‌دهد. دلیل בית שמאי آن است که این حکم را از گاوهای قربانی عید می‌آموزند؛ در روز نخست سیزده گاو تقدیم می‌شود و از آن پس پیوسته شمار کاهش می‌یابد، و الی آخر.

ובה"א [ובית הלל اומרים] יום ראשון מדליק א' מכאן ואילך מוסיף והולך כו'. כי הנה ענין פרי החג הוא ג"כ המשכת מקיפים עליונים כי סכות הוא התגלות המקיפים כמ"ש כי גבר עלינו חסדו.

و בית הלל (Beis Hillel) می‌گویند: در روز نخست یک شمع می‌افروزد؛ از آن پس پیوسته بر شمار می‌افزاید، و الی آخر. زیرا گاوهای قربانی عید نیز فرودآوردنِ انوارِ فراگیر برترند؛ چراکه סכות جلوه‌گرشدنِ انوارِ فراگیر است، چنان‌که نوشته شده است: «زیرا مهر او بر ما چیره گشته است.»

44 וע"י המשכה זו מתבררים ג"כ הע' [השבעים] שרים ונהפכים ליבטל באור זה. וזהו הללו את ה' כל גוים כו' כי גבר עלינו חסדו.

و به واسطهٔ این افاضه از بالا به پایین، هفتاد سرور نیز پالوده و دگرگون می‌شوند تا در این نور به حالتِ خودنهی‌گری (ביטול، bittul) درآیند. و این [معنای] «نام چهارحرفی (ה', Havayah) را بستایید، ای همهٔ ملت‌ها، و مانند آن، زیرا مهر او بر ما چیره شده است» است.

ולכן מתחיל ב"ג פרים כנגד י"ג מדה"ר [מדות הרחמים] שהם מקיפים כנודע. ואח"כ הולכין ומתמעטין כי כיון שכבר נבררו כמה בחי' ע"י המשכה שביום ראשון ע"כ א"צ [אין צריך / אינו צריך] עוד להארה גדולה כ"כ [כל כך] כיום ראשון כו'.

و از این رو، این کار با سیزده گاو آغاز می‌شود، در برابر سیزده صفت رحمت که، چنان‌که دانسته است، [نورهای] فراگیرند. سپس شمارشان پیوسته کمتر می‌شود؛ زیرا چون چندین مرتبه به واسطهٔ افاضه‌ای که در روز نخست صورت گرفت پالوده شده‌اند، دیگر به روشنایی‌ای به این بزرگی، همچون روز نخست، نیازی نیست و مانند آن.

45 והנה בחנוכה ממשיכים ג"כ בחי' מקיפים הנ"ל שע"ז יהיו נדחים הקליפות.

اکنون در חנוکا نیز این [انوار] فراگیر نازل می‌شوند، تا به واسطهٔ آن‌ها پوسته‌ها (کلیפות، kelipos [نیروهای پنهان‌گر]) دفع شوند.

אך בחנוכה הוא בבחי' מלחמה. וכמ"ש סבוני כו' בשם ה' כי אמילם כו' והיינו ג"כ ע"י המקיפים דוקא. וזהו טוב לחסות בהוי"ה מבטוח כו' כמ"ש במ"א.

اما در حנוکا، این به صورت جنگ است؛ چنان‌که آمده است: «گرداگردم را گرفتند و غیره؛ به نام ה' آنان را از پا درخواهم آورد و غیره»؛ و این نیز به طور خاص به واسطهٔ انوار فراگیر است. و این [معنای] «پناه بردن به ה' بهتر از اعتماد کردن است و غیره» است، چنان‌که در جای دیگر توضیح داده شده است.

46 ובסכות להיותו מדאורייתא אינו ע"י מלחמה אלא שנעשו נכנעים ממילא ע"י גילוי זה כו'. וכיון ששני

הענינים הוא המשכת בחי' מקיפים ע"כ למדים ב"ש [בית שמאי] לנרות דחנוכה מפרי החג שמתחלה צ"ל גילוי גדול יותר.

و در סכות (Sukkos)، چون این عید از تورات است، این امر از راه جنگ انجام نمی‌شود؛ بلکه آنان به واسطهٔ این تجلی، خودبه‌خود تسلیم می‌شوند و مانند آن. و از آن‌جا که هر دو امر عبارت‌اند از فرودآوردن [نورهای] فراگیر، از این رو بیت שמאי (Beis Shammai) چراغ‌های حנוכה (Chanukah) را از گاوای قربانی عید استنباط می‌کنند: در آغاز باید تجلی بزرگ‌تری باشد،

47 ואח"כ יהיה מתמעט והולך מטעם הנ"ל בפרי החג.

و پس از آن، به دلیلی که پیش‌تر دربارهٔ گاوهای قربانی عید توضیح داده شد، پیوسته کاهش می‌یابد.

וב"ה [ובית הלל] **סברי מעלין בקודש כו'.** פ"י **דלא דמי ללמוד זה מפרי החג.** **כי חג הסוכות הוא דאורייתא.**
ואורייתא מח"ע [מחכמה עילאה] **נפקת מלמעלה למטה.** **ואם כן בא ונמשך הגילוי מצד עצמו מלמעלה למטה.**

و **בית הלל** (Beis Hillel) **בר این باورند که «در قداست می‌افزاییم و الی آخر».** یعنی این دو مورد مانند یکدیگر نیستند تا بتوان این حکم را از گاوهای قربانی عید آموخت؛ زیرا عید سوکوت از تورات (**תורה**, Torah) است، و تورات از حکمت برین (**חכמה**, Chochmah)، از بالا به پایین، صادر می‌شود. پس تجلی، خودبه‌خود از بالا به پایین می‌آید و نازل می‌شود.

48 **ולכן גם ההארה היותר גבוה יוכל לבא ולימשך בתחלה כי מי מעכב ומי מונע לה' ית"ש** [יתברך שמו].
והיד ה' תקצר.

بنابراین، حتی عالی‌ترین تابش نیز می‌تواند از همان آغاز بیاید و فرود آورده شود؛ زیرا چه کسی می‌تواند مانع شود و چه کسی می‌تواند جلوی **ה'** را بگیرد، که نامش متبارک باد؟ «آیا دست **ה'** کوتاه است؟»

משא"כ בחנוכה שהוא מדربנן שהם המשיכו להיות גילוי זה וא"כ כיון שממשיכים זה מלמטה א"א להגיע ולהמשיך הגילוי הגדול בתחלה כ"א מעט מעט.

اما **חנוכה** (Chanukah)، که عیدی ربانی است، چنین نیست؛ این حکیمان بودند که این تجلی را فرود آوردند. پس چون این تجلی از پایین فرود آورده می‌شود، رسیدن به آن تجلی عظیم و فرود آوردنش در آغاز ناممکن است و تنها می‌توان آن را اندک‌اندک فرود آورد.

שמתחלה ממשיכים נר א'. ואח"כ מעלין בקודש כו' והולך ומוסיף אור כו'.

در آغاز، یک چراغ فرود آورده می‌شود و پس از آن «در قداست می‌افزاییم، و غیره» و نور پیوسته افزون می‌شود، و غیره.

(ודוגמא לדבר מפסח וספה"ע [וספירת העומר] **כי בפסח היה הגילוי באתעדל"ע** [באתערותא דלעילא] **מצד עצמו שנגלה עליהם ממ"ה** [מלך ملכי המלכים] **כו'. ואח"כ צ"ל וספרתם לכם להפוך המדות ע"י שממשיכים היום יום א' לעומר לנה"ב** [לנפש הבהמית] **כו'.**

(نمونه‌ای از این مطلب، **פסח** (Pesach) و **شماریش عומר** (Omer) است؛ زیرا در **פסח**، تجلی، برانگیختگی از بالا (אתערותא **دلעילא**, isarusa dileila) و از جانب خود بود: «شاه شاهان بر آنان آشکار شد، و غیره.» پس از آن باید «و برای خود بشمارید» تحقق یابد تا صفات عاطفی (**مדות**, middos) دگرگون شوند؛ این کار با فرود آوردن «امروز یک روز از عומר است» به درون نفیس حیوانی (**נפש הבהמית**, Nefesh HaBahamis) انجام می‌شود، و غیره.

ולמחר היום שני ימים. ואין אומרים יום שני אלא שני ימים. כלומר היום נמשך בחי' עליונה יותר הכוללת שני ימים ואח"כ מוסיף והולך אור כו'. נמצא בספירת העומר שהיא אתערותא דלעילא ע"י אתערותא דלתתא הוא ממשיך מעט מעט והולך ואור כו' ב' ימים ג' ימים כו'.

و فردا، «امروز دو روز است»؛ و نمی‌گوییم «روز دوم»، بلکه می‌گوییم «دو روز». یعنی امروز مرتبه‌ای برتر فرود آورده می‌شود که دو روز را دربرمی‌گیرد و پس از آن نور پیوسته افزون می‌شود، و غیره. بنابراین، در شمارش عומר که برانگیختگی از بالا از طریق برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata) است، نور را اندک‌اندک فرود می‌آورند و نور پیوسته رشد می‌کند، و غیره: دو روز، سه روز، و غیره.

וזהו כמו בחנוכה תחלה נר א' ואח"כ מוסיף והולך כו'. אבל בפסח שהיה הגילוי מעצמו הרי כללות האור הנמשך אח"כ בכל ימי העומר היה גילוי זה כולו בעצמו בתחלה כו' מטעם הנ"ל.

و این مانند חנוכה است: نخست یک چراغ و پس از آن نور پیوسته افزون می‌شود، و غیره. اما در פסח، که تجلی از جانب خود بود، تمام نوری که پس از آن در روزهای شمارش عומר فرود آورده می‌شود، یعنی تمام این تجلی، خود از همان آغاز حاضر بود، و غیره؛ به همان دلیلی که پیش‌تر بیان شد.

וגם מזה יובן מ"ש בפע"ח [בפרי עץ חיים] בספה"ע [בספירת העומר] ממשיכים מקיפים דאימא אבל הפנימיים אין בנו כח להמשיך רק בזמן בהמ"ק [בית המקדש].

و از این نیز روشن می‌شود آنچه در پری עתס حاییم (פרי עץ חיים, Pri Etz Chaim) درباره شمارش عומר نوشته شده است: که مراتب فراگیر [نورها] ی ایמא (مادر؛ ایما, Imma) را فرود می‌آوریم، اما توان فرود آوردن نورهای درونی را نداریم، مگر در دوران برپایی معبد مقدس.

وهוא כמ"ש בענין שבעה רועים דהם בחי' פנימיים וזה היה במנורה שבבהמ"ק [שבבית המקדש] ז' קנים. משא"כ עכשיו ממשיכים מבחי' המקיפים שהם ח' נס"א [נסיכי אדם]:

و این همان‌گونه است که درباره هفت شبان توضیح داده شده است: آنان مرتبه درونی [نورها] هستند و این در منورا، یعنی چراغدان معبد مقدس، با هفت شاخه بود؛ اما اکنون از مرتبه فراگیر [نورها] فرود می‌آوریم که همان هشت شاهزاده آدمیان‌اند.

ובכל הנ"ל יובן ענין קבלת עומ"ש [עול מלכות שמים] שקדמה לעול מצות היינו שהוא בחי' בכל מאדך בירור נה"ב [נפש הבהמית] נר ה' נשמת אדם.

و با توجه به همه آنچه گذشت، معنای پذیرش یوغ فرمانروایی آسمان (קבלת עול, kabbalas ol)، که بر یوغ فرمان‌های دینی (מצוות, mitzvos) مقدم است، روشن می‌شود: این مرتبه «با تمام توان» است؛ پالایش نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis)، «چراغ ه'، روح انسان است».

ואע"פ [ואף על פי] שזהו בחי' אספקלריא שא"מ [שאינה מאירה] הוא קודם לעול מצות עם היות נר מצוה בחי' אספקלריא המאירה. אך משום שע"ז יש גילוי בחי' עליונה יותר כנ"ל.

و با آنکه این مرتبه، آینه بی فروغ است، بر یوغ فرمان‌های دینی مقدم می‌شود؛ با آنکه «فرمان دینی (מצוה, mitzvah) چراغی است» مرتبه آینه نورانی است. اما [این امر مقدم است]، زیرا به واسطه آن مرتبه‌ای برتر آشکار می‌شود، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

ועוד שהוא כמו הפתילה ושמך שאין דרך להיות נתלה האור בשמן שהוא נר מצוה. כ"א ע"י שנאחז תחלה בפתילה היא בחי' נר הוי"ה נשמת אדם כנ"ל. (ועמ"ש ע"פ ראיתי והנה מנורת זהב כו')

و افزون بر این، این امر مانند فتیله و روغن است: نور نمی‌تواند به روغن، که همان «فرمان دینی چراغی است»، متکی شود، مگر آن‌که نخست به فتیله چنگ زند؛ فتیله همان مرتبه «چراغ ه'، روح انسان است» است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. (و نیز بنگرید به آنچه درباره «دیدم و اینک چراغدانی از زر...» نوشته شده است.)

ולכן ג"כ ספה"ע [سفירת העומר] שהוא זיכוך נה"ב [נפש הבהמית] אספקלריא שא"מ [سאינה מאירה] קדמה למ"ת [למתן תורה] دשבועות שהוא נר מצוה.

و از این رو، شمارش عומר (עומר, Omer)، که پالایش نفس حیوانی و آینه بی فروغ است، نیز بر بخشیدن تورا در عید شavuot (שבועות, Shavuot)، که همان «فرمان دینی چراغی است»، مقدم می‌شود.

וזהו וספרתם לכם ממחרת השבת. כי השבת הוא בחי' נר מצוה. אבל בחי' קדוشتי שלמעלה מקדושתכם נק' ממחרת השבת כלומר למעלה מבחי' השבת.

و این معنای «و از روز پس از شبات (שבת, Shabbos) برای خود بشمارید» است. زیرا شبات مرتبه «فرمان دینی چراغی است»؛ اما مرتبه «قداس من از قداس شما فراتر است» «روز پس از شبات» نامیده می‌شود؛ یعنی مرتبه‌ای فراتر از مرتبه شبات.

וזהו ענין קבלת עומ"ש [עול ملکوت שמים] דבור אנכי ולא יהיה לך שלפני מצות שבת.

و این معنای پذیرش یوغ فرمانروایی آسمان است: گفتارهای «من هستم» و «تو معبودهای [دیگری] نخواهی داشت» که پیش از فرمان شبات می‌آیند.

وهוא ענין וספרתם לכם ספירת העומר זיכוך הנפש כנודע ותקון המדות לאהפכא חשוכא לנהורא:

و این معنای «و برای خود بشمارید» است: شمارش عומר، پالایش نفس، چنان‌که معروف است، و اصلاح صفات عاطفی (מדות, middos) برای بدل کردن تاریکی به نور.

49 ולהבין ביאור הדברים הנ"ל בענין שמונה נסיכי אדם. דודאי הרועים הם יותר נעלים מהם במה שהם**משפיעים מבחי' פנימיות. משא"כ בנס"א [בנסיכי אדם].**

ו برای فهم توضیح مطالب پیشگفته دربارهٔ هشت امیر انسان‌ها: بی‌گمان شبانان از آنان برترند، زیرا از مرتبهٔ بُعد درونی (پنیمیوت, pnimiyus) می‌بخشند؛ حال آنکه در مورد امیران چنین نیست.

وهיינו לפי שהרועים נשמתם מבחי' פנימיות. והנסיכים מבחי' חיצוניות (ולכן משה הוא מהרועים. ואליהו מהנסיכים. ונודע דמשה הוא מבחי' פנימיות ואליהו מבחי' חיצוניות)

این بدان سبب است که ارواح شبانان از مرتبهٔ بُعد درونی‌اند و ارواح امیران از مرتبهٔ بُعد بیرونی (chitzoniyus, חיצוניות). (ازاین‌رو موسی (مשה) از شبانان است و الیاهو (אליהו) از امیران؛ و معروف است که موسی از مرتبهٔ **פנימיות** و الیاهو از مرتبهٔ **חיצוניות** است).

אמנם בזאת יתרון מעלת נס"א [נסיכי אדם] שנשמתם הם מבחי' עולם העליון יותר מנשמות הרועים אלא שהם מבחי' חיצוניות של העליון. והרועים הם מבחי' פנימית של התחתון.

باین‌حال، برتری امیران انسان‌ها در این است که ارواحشان از مرتبهٔ جهانی برتر از ارواح شبانان است؛ باین‌همه، ارواح آنان از بُعد بیرونی آن مرتبهٔ برتر است و ارواح شبانان از بُعد درونی مرتبهٔ فروتر.

وهוא כמו עד"מ שהעלים של מיני פירות החשובים ויקרים מאד יש בהם יתרון מעלה משאר פירות.

و این مانند این مثال است: برگ‌های گونه‌های میوهٔ بسیار ارجمند و گران‌بها برتری‌ای بر دیگر میوه‌ها دارند.

אע"פ [אף על פי] שהעלים הם חיצוניות. ואין בהם טעם אפי' [אפילו] כבמיני פירות הפשוטים מ"מ הם ממין וסוג אחר החשוב הרבה יותר ממין פירות הגרועים.

هرچند برگ‌ها بُعد بیرونی‌اند و مزه‌ای ندارند، حتی به‌اندازهٔ گونه‌های سادهٔ میوه؛ باین‌همه، از نوع و گونه‌ای دیگرند که بسیار ارجمندتر از گونهٔ میوه‌های پست است.

ונגד זה יש מעלה בפירות על העליון במה שמ"מ הם מין פרי ויש בהם טעם משא"כ בעליון כו'.

و در برابر این، میوه‌ها بر برگ‌ها برتری دارند، از آن جهت که باین‌همه از نوع میوه‌اند و مزه دارند، حال آنکه برگ‌ها چنین نیستند و الی آخر.

50 והנה עד"ז יש ב' מיני נשמות שיש נשמות יראים ושלמים כמו עולה תמימה. ואעפ"כ [ואף על פי כן] אינם יכולים ללמד לזולתם תורת ה'. ויש נשמות בעלי תורה ואינן שלמים בתכלית כ"כ [כל כך] בלי שום דופי כמו נשמות הנ"ל.

אکنون، به همین نحو، دو گونه نفس وجود دارد. برخی نفوس هم از ה' خشیت دارند و هم کامل اند، مانند «قربانی سوختنی بی عیب»؛ باین همه، نمی توانند توراتِ ה' را به دیگران بیاموزند. و برخی نفوس استادانِ تورات اند، اما به اندازه نفوسِ یادشده در بالا، کاملاً و از هر عیب و نقصی پیراسته نیستند.

51 והיינו שהיראים ותמימים נלקח נשמתם מעלמא דאתכסיא וע"כ אינם פרנסי הדור לפי שהם מעלמא דאתכסיא בבחי' הסתר והעלם והוא המשומר ממגע וכו' ומ"מ אינם בעלי תורה כ"כ [כל כך] להיותם רק בחי' חיצוניות עליון.

یعنی، جان های اهل خشیت و کاملان (yireim utemimim, היראים ותמימים) از جهان پنهان (alma, עלמא دאתכסיא de'iskasya) گرفته می شوند؛ از این رو، آنان تأمین کنندگانِ نسل نیستند، زیرا از جهان پنهان اند، در مرتبه ای از پنهانی و پوشیدگی؛ و این همان چیزی است که «از تماس محفوظ است» و جز آن. باین همه، آنان چندان استادِ تورات نیستند، زیرا فقط جنبهٔ بُعد بیرونی (chitzoniyus, حיצוניות) مرتبهٔ برترند.

52 ובעלי תורה הם מבחי' פנימית רק שהם מבחי' פנימית תחתון עלמא דאתגליא לכן הם בהתגלות ללמד כו'.

و استادانِ تورات از مرتبهٔ بُعد درونی اند؛ جز آنکه از بُعد درونی مرتبهٔ فرودین، یعنی عالم آشکار، هستند؛ از این رو در حالتی آشکارند تا تعلیم دهند و مانند آن.

ועד"ז הוא ענין שמונה נסיכי אדם ששרשם משמונה תקונים הראשונים שבי"ג ת"ד [תיקוני דיקנא] דא"א שהם בחי' מקיפים.

همین گونه است موضوعِ هشت شاهزادهٔ آدمیان که ریشه شان از هشت آرایشِ نخستِ سیزده תקוניםِ ریشِ اריך انפין (Arich Anpin [چهرهٔ دراز]) است؛ این ها مرتبهٔ فراگیر [نورها] هستند.

כי תקון לאלפים הוא בחי' או"פ [אור פנימי] כי לאלפים היינו אאלפך חכמה אאלפך בינה שאו"א [שאבא ואימא] יונקים מב' מזלות דא"א ויניקה זו היא בחי' או"פ [אור פנימי]

זیرא אראישי תקון «برای هزاران» (לאלפים, la'alafim) مرتبة نور درونی است؛ زیرا «لאלפים» [چنانکه در عبارت] «به تو حکمت (חכמה, Chochmah) می‌آموزم، به تو فهم (בינה, Binah) می‌آموزم» آمده است؛ زیرا پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma) از دو מזלות (mazalos [مجاری فیض]) آریخ אנפין نیرو می‌گیرند، و این دریافت نیرو مرتبة نور درونی است،

وهוא כמו בחי' רועים ישראל מפרנסים כו' אכלו ריעים או"א [אבא ואימא] כו' וזהו נוצר חסד לאלפים.

و این همچون مرتبة شبانان است: «اسرائیل روزی می‌رسانند و غیره»، «بخورید، ای دوستان»، אבא ואמא و غیره. و این [معنای] «او مهر را برای هزاران نگاه می‌دارد» است.

53 ולכן האל"ף תמונתו יו"ד למעלה ויו"ד למטה וי"ו באמצע. כי ההמשכה בפנימית צ"ל ע"י צמצום כו'.

ازاین‌رو، صورت حرف الف (אלף, Alef) چنین است: یک حرف یוד (יו"ד, Yud) در بالا، یک יו"ד در پایین و یک حرف واو (וי"ו, Vav) در میان؛ زیرا امتداد نور به درون باید از راه انقباض (צמצום, tzimtzum) صورت گیرد، و مانند آن.

אבל ח' מזלות הראשונים שקודם בחי' לאלפים הם בחי' מקיפים ומשם שרש ח' נס"א [נסיכי אדם] והרי הם למעלה ממקור בחי' הרועים ששרשם מבחי' חו"ב [חכמה ובינה] שהם בחי' לאלפים הנ"ל.

اما هشت مجرای فیض نخستین (مזלות, mazalos)، که پیش از مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) «به هزاران» قرار دارند، در مرتبة نورهای فراگیر هستند، و ریشه هشت پیشوای آدمیان از آنجاست؛ پس ریشه آنان بالاتر از سرچشمه مرتبة چوپانان است؛ چوپانانی که ریشه‌شان از حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) است، که همان مرتبة «به هزاران» مذکور در بالاست.

אך מ"מ הרועים הם מבחי' פנימית והנס"א [והנסיכי אדם] מבחי' חיצוניות רק שהם חיצוניות עליון כו'.

اما بااین‌همه، چوپانان از مرتبة بُعد درونی‌اند و پیشوایان آدمیان از مرتبة بُعد بیرونی؛ بااین‌حال، آنان بُعد بیرونی مرتبه‌ای برترند، و مانند آن.

54 ובחנוכה שטמאו כל השמנים שבהיכל שהוא בחי' הפגם המגיע בחו"ב [בחכמה وבינה] ע"כ הוצרכו לתקן ע"י מקיפים דוקא שלמעלה משרש החכמה.

و در חنوکا، هنگامی که همه روغن‌های هیکل را ناپاک کردند – که این همان مرتبة خللی است که به حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) می‌رسد – ازاین‌رو لازم بود آن را مشخصاً به‌واسطه [نورهای] فراگیر، که فراتر از ریشه حכמה هستند، اصلاح کنند.

ובסכות ממשכים ג"כ י"ג ת"ד [תיקוני דיקנא] וזהו ענין י"ג פרים כו'. רק שבסכות נכנעים עי"ז ממילא הע' [השבעים] שרים כו' משא"כ בחנוכה כו' וכנ"ל.

و در سوکوت نیز سیزده اصلاح ریش (תיקוני דיקנא, tikkunei dikna) فرود آورده می‌شوند، و این معنای سیزده گاو نر است، و غیره. اما در سوکوت، هفتاد شاهزاده به واسطه این امر خودبه‌خود تسلیم می‌شوند، و غیره؛ برخلاف חנוכה، و غیره، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

55 ועי"ז נחלקו ב"ש [בית שמאי] **וב"ה** [ובית הלל] **בענין הדלקת נ"ח וכמש"ל** [וכמה שכתוב לעיל]. **עוד יש פי' בענין ז' רויים וח' נס"א** [נסיכי אדם] **כי בז"ת** [בז' תחתונות] **הי'** [היה] **שבירה ובינה רקיעא תמינאה נק' עלמא דחירו יין המשומר.**

بر سر این موضوع، بیت‌شماي (בית שמאי, Beis Shammai) و بیت‌הیل (بית הלל, Beis Hillel) دربارهٔ افروختن چراغِ حנוכה اختلاف دارند، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد. توضیح دیگری نیز دربارهٔ هفت شبان و هشت شاهزادهٔ آدمیان هست: زیرا در هفت مرتبهٔ پایینی [مراتبِ تجلی (سفירות, Sefiros)] شکستگی رخ داد، و فهم (בינה, Binah)، فلکِ هشتم، «عالمِ آزادی» نامیده می‌شود؛ همان «شرابِ محفوظ [در انگورهایش]».

وهנה ז' רועים נמשכים מז"ת [מז' תחתונות] **ושמונה נס"א** [נסיכי אדם] **מבחי' רקיעא תמינאה לכן הם מועילים יותר לדחות בחי' אשור. ועמ"ש ע"פ למנצח על השמינית כו':**

اکنون، هفت شبان از هفت مرتبهٔ پایینی **سفירות** کشیده می‌شوند و هشت شاهزاده از مرتبهٔ فلکِ هشتم؛ از این‌رو آنان در دفع مرتبهٔ آشور مؤثرترند. و بنگرید به آنچه دربارهٔ «برای سرپرست، بر مرتبهٔ هشتم (שמینیت, sheminis)، و جز آن» نوشته شده است.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/4/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک